

The Relationship between the Two Concepts of Development and the Environment in the Discourse Analysis of the Fifth and Sixth Development Plans

Niloofar Hashemi

Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding author).

niliparak@gmail.com

0000-0003-1936-9353

Mohammad Saeid Zokaei

Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

zokaei@atu.ac.ir

0000-0001-7134-0801

Mohammad Reza Tajik

Associate Professor, Faculty of Economics & Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

M_Tajik@sbu.ac.ir

0000-0003-3413-7999

Abstract

Despite the consequences of previous development plans, not only we are not seeing success in shaping development as environmental protection, but also new manifestations of environmental degradation are occurring which cause socio-political challenges. The macroeconomic variables such as unemployment rate, GDP per capita, etc. highlight Iran's increasing need for development programs as economic growth. In this way, we witness all the contradictions in the ever-increasing need for development as economic growth and the ever-increasing destructive consequences of such programs as a sign of development. In this research, the relationship between development and environment in the laws of the 5th and 6th development plans has been studied and analyzed. According to the research question, it seems that in Iran, the discourse of progress (discourse of the modernization school) is still the dominant discourse and evaluates the two concepts of environment and development as contradictory concepts. In the end, according to research results, the hypothesis is at least violated by laws. However, the hypothesis confirmed by the research results is a kind of discourse confusion between explaining the goals which simultaneously try to address the immediate and momentary needs in these two contradictory areas and only prevent the challenges from turning into a crisis in the short term. In this research, the distortion of the discourse space in this time has been drawn.

Keywords: Discourse Analysis, Development, Environment, Fifth and Sixth Development Plans.

JEL Classification: O10, O13, Q01, Q15, Q56

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Hashemi, N.; Zokaei, M.S. & Tajik, M. R. (2023). The Relationship between the Two Concepts of Development and the Environment in the Discourse Analysis of the Fifth and Sixth Development Plans. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 11(3), 433-473. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2022.330671.2383>

E-ISSN: 2345-2552 / Center for Strategic Research / Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies

Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



20.1001.1.23452544.1402.11.43.1.1

10.30507/JMSP.2022.330671.2383


□ **Corresponding Author:** Niloofar Hashemi, **Address:** University of Tehran, **Tel:** +98(912)3094581

نسبت دو مفهوم توسعه و محیط‌زیست در تحلیل گفتمان قوانین دوران برنامه پنجم و ششم توسعه

نیلوفر هاشمی


استادیار گروه خدمات عمومی و زیربنایی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

niliparak@gmail.com

 0000-0003-1936-9353


محمدسعید ذکایی

استاد گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
zokaiei@atu.ac.ir

 0000-0001-7134-0801

محمدرضا تاجیک

دانشیار گروه علوم و اندیشه سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
M_Tajik@sbu.ac.ir

 0000-0003-3413-7999

چکیده

با وجود نمونه‌های روشنی از پیامدهای برنامه‌های پیشین توسعه، روشن است، نه تنها شاهد شکل‌گیری گفتمانی که «توسعه» را «پایداری محیط‌زیست» معنا کند، نیستیم و از منظر چرخش پارادایمی، کمینه ۴۰ سال پس‌افتادگی روی داده است، بلکه هر روز جلوه‌های تازه‌ای از تخریب بروز می‌یابند که گهگاه جوانه‌های چالش‌های سیاسی اجتماعی هستند، اما همچنین بر ساخت‌های کلان اقتصادی خاص چون نرخ بیکاری، سرانه تولید ناخالص ملی و... نیاز روزافزون ایران به برنامه‌های توسعه با بر ساخت اقتصادی خاص را برجسته می‌کنند. بدین ترتیب شاهد همه تناقض‌های موجود در نیاز روزافزون به بر ساخت اقتصادی خاص توسعه و پیامدهای مخرب روزافزون برنامه‌های چنین مدلولی از توسعه، هستیم. در این پژوهش تلاش شده نسبت توسعه و محیط‌زیست در قوانین دوران برنامه پنجم و ششم توسعه، واکاوی و تحلیل شود. باتوجه به مسئله پژوهش، به نظر می‌رسد در ایران، همچنان گفتمان پیشرفت (فضای گفتمانی مکتب نوسازی) گفتمان مسلط است که دو مفهوم محیط‌زیست و توسعه را مفاهیمی متضاد و متناقض ارزیابی می‌کند. فرضیه‌ای که در انتها باتوجه به نتایج پژوهش، کمینه در بر ساخت قوانین نقض می‌شود، اما فرضیه‌ای که باتوجه به نتایج پژوهش تأیید می‌شود، نوعی سردرگمی گفتمانی بین تبیین اهدافی است که همزمان به نیازهای فوری و لحظه‌ای در این دو حوزه می‌پردازند و تنها از تبدیل چالش به بحران در کوتاه‌مدت جلوگیری می‌نمایند. در این پژوهش اعوجاج فضای گفتمانی این دوران، ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، توسعه، محیط‌زیست، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه.

طبقه‌بندی JEL: O10, O13, Q01, Q15, Q56

شاپای الکترونیک: ۲۳۴۵-۲۵۵۲ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان



 20.1001.1.23452544.1402.11.43.1.1

 10.30507/JMSP.2022.330671.2383

مقدمه و بیان مسئله

شروع تخریب محیط‌زیست در ایران را می‌توان در برنامه ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۲ که متضمن استفاده ایران از حق تعیین قیمت نفت و افزایش شایان توجه درآمدهای نفتی در اوایل دهه ۵۰ شمسی بود جستجو کرد. بدین ترتیب اقتصاد کشاورزی ایران رفته‌رفته به اقتصادی صنعتی (حتی در مورد کشاورزی، از کشاورزی سنتی به کشاورزی صنعتی و بر پایه بازار) سوق یافت و جمعیت اکثریت روستایی کشور، جای خود را به جمعیت شهرنشین داد که بی‌گمان این جابه‌جایی جمعیت صرفاً وجه ریخت‌شناسی (مورفولوژیک) نداشت. از دریاچه نگاه محیط‌زیست می‌توان بارزترین پیامدهای نمود سه‌گانه نفت، اقتصاد صنعتی و شهرنشینی را در مصرف‌گرایی و به‌ویژه افزایش تقاضا برای خودروهای شخصی (آلایندگی فراوان ناشی از احتراق ناقص)، آلایندگی صنایع (آلودگی آب‌های زیرزمینی و آلودگی خاک ناشی از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها)، روند جنگل‌زدایی، آلاینده‌های صنایع نفتی همچون آتش‌سوزی چاه‌های نفت، باران‌های اسیدی و... جستجو کرد (Jahangard, 2018, pp. 107-108).

اما از دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی که دغدغه «محیط‌زیست» با مدلول «توسعه» همراه شد و مفهوم «توسعه پایدار» شکل گرفت، همزمان در ایران نیز به کمک برخی اصول قانون اساسی، شاهد رویش تمایل‌هایی به گنجاندن رویکرد حفظ محیط‌زیست در بطن برنامه‌های توسعه هستیم. پس از گذشت چهار دهه از زمان انقلاب تاکنون، آنچه عملاً روی داده است، به گزارش و برساخت ارائه شده در اجلاس جهانی اقتصاد (داووس، ۲۰۲۲)، بدین شرح است:

در مسئله آلودگی هوا، رتبه ایران ۷۰ است که خود دارای ۷ بخش است و تنها رتبه ۳۶ آلودگی سوخت‌های جامد خانگی است که این جایگاه را بهبود بخشیده است و برای مثال در بخش آلودگی هوای ناشی از NO_x ، SO_2 و CO با رتبه‌های ۱۷۴، ۱۶۹ و ۱۶۹، ایران در قعر جدول قرار دارد.

در مسئله تنوع زیستی، ایران جایگاه ۱۵۰ را به خود اختصاص داده، در رابطه با فلزات سنگین، رتبه ۱۶۴ را اخذ کرده و در مباحث تغییر اقلیم، رتبه ۱۵۹، خود گویای مسئله در نسبتی جهانی است. البته شایان توجه است که این رتبه‌بندی بر

۱. بر مبنای شاخص EPI (Environmental Performance Index) که با همکاری دانشگاه ییل و کلمبیا به صورت

دوسالانه و برای ۱۸۰ کشور منتشر می‌شود: <https://epi.yale.edu/epi-results/2022/country/irm>

مبنای آمار دریافتی از خود کشورها صورت گرفته و درحالی‌که در برخی زمینه‌ها، آماری یا آمار دقیقی موجود نباشد، تکیه بر براساخت این رتبه‌بندی، همراه با سوگیری است.

با وجود چنین نمونه‌های روشنی از پیامدهای برنامه‌های پیشین توسعه، روشن است، نه تنها شاهد شکل‌گیری گفتمانی که «توسعه» را «پایداری محیط‌زیست» معنا کند، نیستیم و از منظر چرخش پارادایمی، کمینه ۴۰ سال پس‌افتادگی روی داده است، بلکه هر روز جلوه‌های تازه‌ای از تخریب بروز می‌یابند که برای مثال، در مورد مسئله آب، دیگر با چالشی سیاسی اجتماعی روبه‌رو هستیم، اما همچنین براساخت‌های کلان اقتصادی خاص چون نرخ بیکاری، سرانه تولید ناخالص ملی و ...، همچنین نیازهای حیاتی مانند تولید انرژی ارزان‌قیمت، برداشت از میادین مشترک نفت و گاز، امنیت غذایی، اقتصاد کشاورزی با توجه به حضور نیروی مازاد کاری و گسترش معادن باتوجه به وجود منابع معدنی متنوع و دارای مزیت نسبی، نیاز روزافزون ایران به برنامه‌های توسعه با براساخت اقتصادی خاص را برجسته می‌کنند. بدین ترتیب شاهد همه تناقض‌های موجود در نیاز روزافزون به براساخت اقتصادی خاص توسعه و پیامدهای مخرب روزافزون برنامه‌های چنین مدلولی از توسعه، از زوایای سوژگی بالاترین سطوح تصمیم‌گری تا پایین‌ترین سطوح عامه مردم هستیم. باتوجه به مسئله پژوهش، به نظر می‌رسد در ایران، همچنان گفتمان پیشرفت (فضای گفتمانی مکتب نوسازی)، گفتمان مسلط است که دو مفهوم محیط‌زیست و توسعه را مفاهیمی متضاد و متناقض ارزیابی می‌کند. فرضیه‌ای که در انتها باتوجه به نتایج پژوهش، کمینه در براساخت قوانین نقض می‌شود.

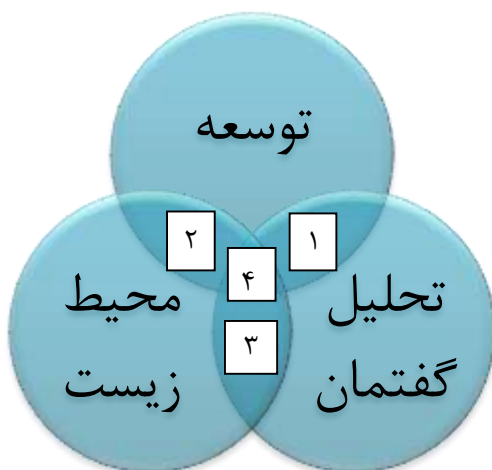
اما نیاز روزافزون جامعه به چنین براساختی از توسعه برای مثال در مورد مسئله بیکاری که سرمنشأ اغلب مسائل اجتماعی است، امکان چرخش پارادایمی را بسیار محدود می‌کند. همزمان، نکته شایان توجه بیشتر، بروز چالش‌های اجتماعی سیاسی برای جامعه در حوزه محیط‌زیست است که نادیده‌انگاشتن ابرچالش‌های این حوزه را غیرممکن کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، آنچه عملاً اتفاق افتاده است، نوعی سردرگمی گفتمانی بین تبیین اهدافی است که همزمان به نیازهای فوری و لحظه‌ای در این دو حوزه می‌پردازند و تنها از تبدیل چالش به بحران در کوتاه‌مدت جلوگیری می‌نمایند. فرضیه‌ای که باتوجه به نتایج پژوهش نیز، تأیید می‌شود.

در این پژوهش، به‌منظور شناخت کافی از وضع موجود و عواملی که چنین شرایطی را تولید کرده‌اند، تلاش شده نسبت توسعه و محیط‌زیست در قوانین دوران

برنامه پنجم و ششم توسعه، واکاوی و تحلیل شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطابق شکل ۱، ادبیات مورد جستجوی خاص پژوهش در ناحیه ۴ قرار می‌گیرد که متأسفانه، در این ناحیه، ادبیات نظری و تجربی خاصی وجود ندارد. در سطح دوم تحلیل ادبیات نظری، اشتراک‌های دو کلیدواژه بررسی می‌شوند. بدین ترتیب، نواحی ۱ و ۲ شکل ۱، در چتر جامعه‌شناسی توسعه و ناحیه ۳، ذیل جامعه‌شناسی محیط‌زیست دارای ادبیات نظری و تجربی است.



شکل (۱): مکان‌یابی ادبیات مورد جستجوی پژوهش

در مکان اصلی این نظریه، تنها پژوهش مشابه، پژوهش زیر است که ذیل جامعه‌شناسی محیط‌زیست انجام شده است:

۱-۱. تحلیل گفتمان زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی

اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

▪ پژوهشگران:

- ۱- صادق صالحی: استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران،
- ۲- علی اصغر فیروزجائیان: استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران،
- ۳- فاطمه غلامرضازاده: کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه مازندران،

▪ سال چاپ پژوهش: زمستان ۱۳۹۳

▪ روش: تحلیل گفتمان اسناد

▪ نتایج: نتایج بررسی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نشان می‌دهد که در قسمت اعظم برنامه‌ها، به‌ویژه در برنامه‌های اول تا سوم توسعه، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی غالب بوده و برنامه چهارم و پنجم توسعه نیز، تحت تأثیر گفتمان زیست بومی، طراحی و برنامه‌ریزی شده است. علاوه‌براین، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، توجه چندانی به عدالت محیط زیست نشده است. با توجه به پیشینه تجربی مورد مطالعه، چندین نکته شایان توجه است. نخست آنکه در مکان دقیق این نظریه، تحلیل گفتمان توسعه و محیط‌زیست، ناحیه ۴ شکل ۱، نه تنها با کمبود پیشینه تجربی مواجه هستیم، حتی ادبیات نظری خاصی نیز وجود ندارد. دومین مسئله آن است که از مجموع پژوهش‌های ملی مرتبط با مسئله (تحلیل گفتمان زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (Salehe & et al., 2014)، به کارگیری مدل فرکلاف در گونه‌شناسی گفتمان‌های محیط‌زیست ایران: گفتمان‌های عدالت، حفاظت، مخاطره و نوسازی (Maleki & et al., 2017)، بررسی برنامه‌های سوم و پنجم توسعه در بخش اقتصادی از منظر تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه (Abbasszadeh & Zayer Kaba, 2016)، جایگاه محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از منظر هفت عنوان منتخب (Goldani & Emami Meibodi, 2015)، محیط‌زیست و برنامه‌های توسعه در ایران (Jahangard, 2018)، دولت و محیط‌زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی، سیاست‌گذاری‌های سیاسی حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط‌زیست (Bahrami Ahmadi, 2009)، تأثیر رویکردهای بین‌المللی توسعه پایدار و محیط‌زیست بر برنامه‌های توسعه ایران (Esmailasadi & Goodarzi, 2018) و بررسی اثر توسعه مالی بر کیفیت محیط‌زیست در ایران (Mahdavi & Amirbabaie, 2016)، تنها دو پژوهش دقیقاً در حوزه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند. سومین نکته آن است که اگرچه این دو مطالعه جامعه‌شناختی، در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست و جامعه‌شناسی توسعه انجام شده‌اند، در هیچ‌کدام زاویه دید پژوهشگر، جامعه‌شناسی سیاسی به‌مثابه نقش قدرت در ایجاد گفتمان مسلط نبوده است؛ بنابراین، از نظر مکان‌یابی، به نظر می‌رسد این پژوهش دقیقاً در نقطه خلأ ادبیات نظری و پیشینه تجربی، قرار گرفته است.

در رابطه با پژوهش‌های بین‌المللی، هیچ تناسبی بین پژوهش‌های انجام شده در نواحی ۱، ۲ و ۳ شکل ۱ وجود ندارد. به‌این ترتیب در نسبت «توسعه و محیط‌زیست»

و «تحلیل گفتمان محیط‌زیست»، با کثرت و پراکندگی بسیار روبه‌رو هستیم که در ادامه به مرور آن پرداخته شده است، اما در مورد تحلیل گفتمان توسعه، مطالعات پژوهشی بسیار کمتری موجود است.

ازسویی دیگر، در پژوهش‌های ملی، هیچ مطالعه‌ای حتی در زمینه‌های مشابه، به‌صورت جامع به همه قوانین پس از انقلاب اسلامی، نپرداخته است، اما مهم‌ترین نکته، عدم توجه به تعارض‌های موجود در دو مفهوم توسعه و محیط‌زیست در ایران است که به‌نظر می‌رسد، دیدگاه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، بهترین پنجره را به تحلیل چنین تناقض‌های پایه‌ای باز می‌کند؛ بنابراین مطالعات جامعه‌شناختی و مطالعات حوزه‌های اقتصاد و حقوق، اگرچه تحلیل‌های ارزشمندی نسبت به شرایط موجود ایجاد می‌کنند، اما هیچ‌کدام در جهت پیوند مفاهیم توسعه و محیط‌زیست گام برنداشته‌اند و همچنان ذیل گفتمانی انجام شده‌اند که تعارض مفهومی این دو را حفظ می‌کند و بدین ترتیب کمکی به حل این تناقض‌ها و حرکت به‌سوی پایداری نخواهند کرد.

درنهایت با توجه به نتیجه مطالعه ادبیات نظری و پیشینه تجربی موجود، این پژوهش می‌کوشد تمام این نقاط تاریک تحلیلی را روشن کرده و آغازی برای انجام پژوهش‌های بیشتر در فضاهای خالی پژوهشی باشد.

۲-۱. چهار دهه تحلیل گفتمان سیاست محیط‌زیست

با مطالعه چهار دهه تحلیل گفتمان سیاست محیط‌زیست، سه دوره خاص قابل تشخیص است: دوره آغازین، دوره ساخت مفهومی و دوره مطالعات موردی. در دوره آغازین که از ابتدای دهه ۱۹۸۰ شروع شده و تا حدود سال ۱۹۹۵ ادامه دارد، مفاهیمی مانند: «گفتمان» فوکو و «تحلیل گفتمان» لاکلاو و موفه به ادبیات سیاست عمومی وارد شده و به یک «چرخش منطقی»^۱ می‌انجامد. ازسویی دیگر، در این سال‌ها جوامع پیشرفته به‌سوی نگرشی نو به «طبیعت» در حال حرکت هستند. در این دوره، مطالعات اندکی بر کاربرد تحلیل گفتمان در حوزه محیط‌زیست، متمرکز هستند (Leipold & et al, 2019).

^۱Laclau & Mouffe

^۲Foucault

۳. کتاب «چرخش منطقی در برنامه‌ریزی و تحلیل سیاست» اثر فیشر و فارستر:

The argumentative turn in policy analysis and planning by Fischer & Forester in 1993.

دومین دوره که به ساخت مفهومی در سیاست محیط زیستی اختصاص یافته و در حدود ده سال تداوم دارد، متعلق به آثار برجسته‌ای از تیموتی لوک، مارتن هاجر و آنجلا اوئل است (Hajer, 1993, 1995, 1997, 2003; Luke, 1999, (1999a, 1999b, 2005, 2006; Oel, 2003).

دوره مطالعات موردی در سال ۲۰۰۵، با تعداد زیادی مطالعات خاص آغاز می‌شود، اما در این دوره کمتر تصویر موجزی از ایده‌های اصلی وجود دارد. اگرچه تعداد مقاله‌های مرتبط با مفاهیم «گفتمان»، «محیط‌زیست» و «سیاست»، افزایش شایان توجهی می‌یابد.

در همه این پژوهش‌ها نگارنده بر ۳ مفهوم کلیدی، گفتمان، محیط‌زیست و قدرت، متمرکز شده است. قدرت دو مفهوم دیگر را دربرمی‌گیرد و رابطه آنها با یکدیگر را تعریف می‌کند.

چالش‌های محیط زیست جهانی مانند تغییرهای اقلیمی عواقب بسیاری دارد: بحران کمبود آب، بیابان‌زدایی، آتش‌سوزی‌های گسترده، ذوب یخ‌های قطبی، سیلاب‌های سهمگین و نابودی تنوع زیستی، به‌گونه‌ای واحد ادراک نمی‌شوند و تفسیرهای گوناگون متعارضی درباره هر یک از این پدیده‌ها وجود دارد.

طبیعت، محیط‌زیست، پایداری، پیشرفت و توسعه مفاهیم مورد بحث در این زمینه هستند. پرسش بنیادین این است که چگونه چنین مفاهیمی به‌طور پیوسته از طریق تجارب روزمره یا در سیستم‌های سیاست‌گذاری محیط زیست تولید می‌گردند؟ آیا این مفاهیم مرتبط به یک واقعیت خاص هستند یا توزیع مجدد و پیکربندی مجدد قدرت؟ آیا آنها مفاهیم واضح و منسجمی هستند یا در گفتمان‌های گوناگون شکل گرفته‌اند؟ همان‌طور که میشل فوکو استدلال می‌کند، گفتمان‌ها تشکیل‌دهنده واقعیت هستند، جایی که قدرت و دانش به هم می‌پیوندند (Foucault, 1998, p.100).

در این راستا، می‌توانیم سه دیدگاه محتمل را در نظر بگیریم. دیدگاه نخست آن است که گفتمان محیط‌زیست با سایر گفتمان‌ها، مانند گفتمان‌های اقتصادی یا توسعه در رقابت است، این‌گونه که هر یک از آنها مستقل از هم و در تناقض با یکدیگرند. دیدگاه دیگر استقلال گفتمان‌های گوناگون را می‌پذیرد، اما به

^۱ Timothy W. Luke

^۲ Maarten Hajer

^۳ Angela Oels

درهم تنیدگی آنها اشاره می‌کند؛ بنابراین فرض تناقض با یکدیگر منتفی خواهد شد. سرانجام، ما یک جایگزین سوم را پیش‌رو داریم که از فرض استقلال، تناقض و ناهمگونی گفتمان‌های مختلف امتناع می‌ورزد. مطابق این دیدگاه، ضروری است به نقش قدرت در تولید مفاهیم متمایز و ناهمگون در جامعه و علم متمرکز شویم و در واقع، می‌توان با شناسایی نقش قدرت در شکل‌گیری چنین پیش‌فرض‌هایی، این نوع گفتمان‌ها را در همپوشانی و تقویت یکدیگر، در نظر گرفت (شکل ۲ تا ۴).



Source: (Hashemi & Zokaei, 2021)

شکل (۲): مدل تعارض



Source: (Hashemi & Zokaei, 2021)

شکل (۳): مدل درهم‌تنیده



Source: (Hashemi & Zokaei, 2021)

شکل (۴): مدل همپوشانی

ایجاد تمایز میان گفتمان توسعه و گفتمان محیط زیست را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که قدرت گفتمان‌ها را تولید می‌کند و گفتمان‌ها نیز قدرت را بازتولید می‌کنند. قدرت با ایجاد «خطوط» بین گفتمان‌های گوناگون، تمایزی را شکل می‌دهد که ممکن است در نظریه مورد تأیید قرار بگیرد، اما در عمل نقض خواهد شد. به نظر می‌رسد قدرت از طریق ایجاد این تعارض‌های پی‌درپی، خود را بازتولید و پایدار می‌کند.

۲. روش پژوهش

مفهوم گفتمان در نظریه لاکلاو و موفه بر این باور است که همه ابژه‌ها و کنش‌ها معنادار هستند و معنای آنها در مراجعه به نظام‌های مشخصی از تفاوت‌های معنادار، شکل می‌گیرد. بدین‌سان، عرصه گفتمان‌کاوی تنها به پدیده‌های صرفاً زبانی محدود نیست و ابژه‌ها هرگز معنای فراگفتمانی^۱ ندارند (Howarth, 1397, pp. 168-173).

مفصل‌بندی^۲ ایجاد گره‌گانه‌هایی^۳ است که تا حدودی معنا را تثبیت می‌کند، اما این تثبیت معنا به سبب گشودگی اجتماعی، همواره ناتمام است و این ناتمام‌بودگی، محصول سرریز همیشگی هر گفتمان، به واسطه بی‌کرانگی فضای گفتمانی یا حوزه گفتمان‌گونگی^۴ است (Laclau & Mouffe, 1985, p. 113). گفتمان‌های خاص، بخشی از معنای اجتماعی را تثبیت می‌کنند، اما ویژگی میدان‌های گفتمانی، «افزونه معنا» است که این امکان وجود ندارد که توسط هیچ گفتمان خاصی تهی شود (Howarth, 1397, pp. 172).

گفتمان به امر برون‌گفتمانی نیازمند است و هرگز نمی‌تواند عناصر گفتمانی را کاملاً مفصل‌بندی کند؛ زیرا نیروهایی وجود دارند که بر ضد گفتمان تعریف می‌شوند (Howarth, 1397, pp. 172-173).

آستین، نظریه‌پرداز کنش زبان معتقد است که مبادله حلقه ازدواج به همان اندازه گفتن «بله» در عقد ازدواج، کنش محسوب می‌شود و هر دو به‌عنوان بخشی از روال گسترده‌تر و معنادار ازدواج، قابل فهم هستند؛ بنابراین میان جنبه‌های زبان‌شناختی و رفتاری روال اجتماعی، هیچ تفاوت هستی‌شناختی وجود ندارد.

^۱Extra-Discursive

^۲Articulation

^۳Nodal Points

^۴The Field of Discursivity

پرسش اصلی این پژوهش آن است که نسبت محیط زیست و توسعه در ایران، چگونه است؟ تقابلی چالشی، تقدمی تأخیری، زیرمجموعه‌گونه و یا... است؟ بنابراین تحلیل گفتمان برای متون همه قوانین دوران پنجم و ششم برنامه‌های توسعه که در آنها دال «توسعه» و دال «محیط‌زیست» به‌طور همزمان وجود داشته است، انجام شده است. همه قوانینی که دال‌های توسعه و محیط‌زیست، به‌صورت همزمان در آنها به‌کار رفته‌اند، مطالعه شده و در سه مرحله پالایش شدند:

مرحله اول، قوانینی که در آنها دال توسعه تنها به‌مثابه نام (قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - کشورهای درحال توسعه - صندوق تأمین مالی بلندمدت تجاری وابسته به بانک توسعه اسلامی - مرکز توسعه آسیا و اقیانوسیه (APDC) - سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی (OECD)، استفاده شده بود و یا تنها مدلول آن افزایش، گسترش، بسط،... بود. در مرحله دوم قوانینی که دال محیط‌زیست تنها به‌مثابه نام (سازمان حفاظت محیط‌زیست، برنامه محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل و...) استفاده شده بود، حذف شد. درنهایت در مرحله سوم قوانینی که در فضای گفتمانی آنها نسبتی میان توسعه و محیط‌زیست برقرار نشده بود و یا هر دو یا حداقل یکی از آنها خارج از فضای برساخته شده قانون حضور داشتند، حذف شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، دال و مدلول، دال شناور و دال خالی، با الهام از عناصر تحلیلی گفتمان لاکلاو و موفه (که در آن گفتمان به‌مثابه تثبیت معنا درون یک قلمرو خاص است)، استفاده شده است. همچنین، عناصر تحلیلی زیر، برای نخستین بار ساخته شده و مورد استفاده تحلیل گفتمان قرار گرفت: دال هم‌ارز، دال جایگزین، دال ویژه، دال مرتبط، دال در سایه، دال ترکیبی، مدلول آرمانی، دال متعارض، دال غایب، دالی تهی از مفهوم،... دال وابسته. همین‌طور عبارتهای: فرایند الاکلنگی، فضای اختصاصی دالی، تعادل دالی، شبیه‌سازی برساختی ناهمگن و همگن، مدلول صفر و ریزش‌بکه.

به باور لاکلاو و موفه، دال مرکزی مفهومی است که دیگر دال‌ها حول آن مفصل‌بندی می‌شوند و دال شناور دالی است که مدلول آن غیرثابت و متعدد است؛ بنابراین گروه‌های مختلف برای انتساب مدلول موردنظر خود به آن، با یکدیگر رقابت می‌کنند. ریزش‌بکه بخشی از ساختار شبکه گفتمانی است که به چندین دال اصلی گفتمان تعلق دارد که با یکدیگر نسبتی مشخص برقرار می‌کنند.

فضای اختصاصی دالی نیز همان‌طور که از نام آن روشن است، زیرمجموعه ریزش‌بکه

است، اما تفاوت آن با ریزشبه آن است که تنها به یک دال اصلی تعلق دارد. بدین ترتیب دال‌های اصلی در کل فضای گفتمانی و دال‌های ویژه در ریزشبه‌ها معنا دارند. در واقع دال‌های ویژه همان دال‌های اصلی ریزشبه هستند. دال‌های هم‌ارز، دال‌هایی هستند که از نظر میزان قدرت انباشته در فضای شبکه گفتمانی، شرایط مشابهی دارند. دال‌های جایگزین، دال‌های متفاوتی در گفتمان‌های متفاوتی هستند که تنها کارکردی مشابه یکدیگر دارند.

اما دال‌های مرتبط، دال‌هایی هستند که نسبتی مشخص، مستقیم و تثبیت‌شده را در فضای گفتمانی دارا می‌باشند. دال در سایه، دالی است که در سایه قدرت انباشته شده در یکی از دال‌های اصلی یا دال‌های ویژه قرار گرفته است. دال ترکیبی، از چندین واژه تشکیل شده که در کنار هم مدلولی مشخص دارند. دال غایب نیز یکی از دال‌های اصلی یا دال‌های ویژه گفتمانی خاص است که در گفتمانی دیگر، نادیده گرفته شده است. دال‌های وابسته نیز مدلول خود را از نسبت با یکدیگر به دست می‌آورند و بدون ارتباط با یکدیگر، مدلول‌های متفاوتی خواهند داشت.

دال‌های متعارض نیز با مدلول‌هایی متناقض در فضای گفتمانی تثبیت شده‌اند. مدلول آرمانی هم مدلولی ایدئال برای دالی شناور در گفتمانی خاص است، اما دالی دارای مدلول صفر است که در یک یا چند بخش مختلف از یک فضای گفتمانی برای آن دال، دو مدلول کاملاً متناقض بر ساخته شده باشد.

فرایند الاکنگی به چگونگی نسبت دو دال در یک فضای گفتمانی مرتبط است که در یا چند بخش از این فضای گفتمانی، نسبت قدرت انباشتی در هر یک از آنها کاملاً معکوس می‌شود. تعادل دالی نیز برابر شدن قدرت انباشته در دو دال در یک فضای گفتمانی می‌باشد. در نهایت شبیه‌سازی بر ساختی، انتقال یک فضای گفتمانی مهمان به یک فضای گفتمانی میزبان است که می‌تواند کاملاً همگن و یا ناهمگن باشند.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱-۳. دوران برنامه پنجم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

۳-۱-۱. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

نخستین باری که در قانون برنامه پنجم توسعه به دال محیط‌زیست اشاره شده، ماده ۱۴ از مبحث ورزش، زیرمجموعه فصل اول با عنوان فرهنگ اسلامی ایرانی است که

در آن مشابه برنامه چهارم توسعه به مناطق چهارگانه محیط‌زیست در گسترش اماکن و فضاهای ورزشی سازمان تربیت بدنی توجه شده است، اما در ماده ۸۲ از مبحث ارز فصل پنجم با عنوان اقتصادی در این برنامه، هم‌ارزی توجیه فنی، اقتصادی مالی و محیط‌زیست از میان‌رفته و شرایط محیط‌زیست در جایگاه دیگری در همین بند استفاده شده است. مشخص نیست این جدایش به‌معنای تقویت دال محیط‌زیست است یا تضعیف آن؟! از سویی می‌توان این جدایش را ایجاد فضای اختصاصی برای شرایط محیط‌زیست در نظر گرفته و به‌نوعی آن را تقویت این دال محسوب کرد و از سویی دیگر می‌توان این جدایش را تضعیف این دال برشمرد؛ زیرا در سلسله مراحل سنجش طرح‌ها از نخستین مرحله به آخرین مرحله تغییر مکان داده است که شاید به‌معنای کاهش اولویت دال محیط‌زیست باشد، اما در نهایت رعایت شرایط محیط‌زیست در اجرای طرح‌های نیازمند تسهیلات خارجی در این قانون، «مسئله» بوده است.

در این قانون نیز مشابه قانون برنامه چهارم توسعه، در ماده ۱۰۴ مبحث تجارت، اولویت حفاظت از محیط‌زیست بر صادرات، حتی بالاتر از تنظیم بازار داخلی برساخته شده است. در این قانون برای نخستین‌بار به توضیح عوارض وصولی ارزش افزوده و عوارض آلودگی واحدهای تولیدی بر مبنای فضای اثرگذاری این آلاینده‌گی توجه شده است و البته در فضای گفتمانی این قانون در ماده ۱۲۳، مبحث اصلاح نظام مالیاتی متولی محیط‌زیست، دارای جایگاهی تثبیت شده می‌باشد.

در مبحث نفت و گاز، ماده ۱۲۹، در «اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید صنایع نفت و گاز»، دال محیط‌زیست در کنار دال‌های سلامتی و ایمنی، دالی موردتوجه است. در ماده ۱۳۴ مبحث برق این قانون نیز مشابه قوانین پیشین، دال محیط‌زیست، دال در سایه دال‌های صرفه‌جویی و اقتصاد انرژی است.

مشابه برنامه چهارم توسعه، در ریزش‌بکه مبحث منابع آب، ماده ۱۴۰، دال‌های «توسعه پایدار منابع آب» و «مدیریت جامع (به‌هم‌پیوسته) آب»، دال‌هایی ویژه هستند، اما همچنان پرداختن به مسئله آب در فصل اقتصادی و همین‌طور مبحث برق در این فصل، نشان‌دهنده پیش‌فرض تعارض دال‌های توسعه و محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون است.

در بند الف ماده ۱۴۰، به ایجاد تعادل بین تغذیه و برداشت از سفره‌های آب‌های زیرزمینی اشاره شده که در آن «ایجاد تعادل»، دالی خالی است. حضور دال‌های نوینی همچون «نصب کنتورهای حجمی»، «برداشت‌های غیرمجاز»، «سیاست‌های

حمایتی و تشویقی» نشان از آن دارد که ریزش شبکه منابع آب در این قانون، تقویت شده و دال‌های جدیدی به این فضای گفتمانی افزوده شده است. متولی محیط‌زیست همچنان دال غایب این ساختار گفتمانی است. دال‌های نوین ویژه دیگر این ریزش شبکه «آبخیزداری»، «آبخوان‌داری»، «احیاء قنوات و نظام بهره‌برداری مناسب» می‌باشند. دال «منافع ملی»، در مبحث واردات و صادرات آب، همچون برنامه توسعه چهارم، دالی خالی است که در آن دال محیط‌زیست هم‌ارز با توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی، بر ساخته شده است. در این قانون برای نخستین بار در برنامه‌های توسعه به حق‌آبه از رودخانه‌های مرزی و منافع مشترک آب، همچنین مسئله آلایندگی فاضلاب واحدهای تولیدی، صنعتی، دامداری و خدماتی اشاره شده است؛ بنابراین با تأکید بر لزوم جمع‌آوری فاضلاب تصفیه و دفع بهداشتی پساب، ریزش شبکه آب در فضای گفتمانی این قانون، نسبت به قوانین پیشین برنامه‌های توسعه، به‌روشنی گسترده و تقویت شده است. در این برنامه توسعه برای نخستین بار طرح جامع حمل‌ونقل کشور، با مدلول پاسخگویی به تقاضاهای بالفعل، بالقوه و دستیابی به موقعیتی مناسب در حوزه‌های دال‌های ایمنی، انرژی، اقتصاد، حمل‌ونقل و محیط‌زیست، مطرح شده است، اما نکته شایان توجه آن است که اگرچه این دال‌ها هم‌ارزند، اما محیط‌زیست در آخرین جایگاه حائز اولویت برای طرح جامع حمل‌ونقل کشور بر ساخته شده است. البته این جایگاه آخر در تمام دال‌های هم‌ارز توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی، پدافند غیرعامل و... در فضای گفتمانی همه قوانین پیشین نیز وجود داشته است.

مسئله شایان توجه در قانون برنامه پنجم توسعه آن است که پیشتر در برنامه چهارم توسعه، در فصل چهارم این قانون، مدلول توسعه، «توسعه مبتنی بر دانایی» است و فصلی جداگانه به حفظ محیط‌زیست اختصاص دارد که زیربخش بخش دوم، با عنوان «حفظ محیط‌زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای» است؛ بنابراین محیط‌زیست نه تنها فصلی اختصاصی در اختیار دارد بلکه خود هم‌ارز با آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای، دارای بخشی خاص است. همچنین فصل چهارم، یعنی «توسعه مبتنی بر دانایی» نیز زیربخش بخش اول، یعنی رشد اقتصاد ملی دانایی محور در تعامل با اقتصاد جهانی است؛ بنابراین «رشد اقتصادی» و «مسئله محیط‌زیست» با داشتن فضای اختصاصی دالی مشابه، دال‌هایی هم‌ارز هستند و همین‌طور دال‌های ویژه «توسعه مبتنی بر دانایی» و «حفظ محیط‌زیست» نیز با داشتن فصلی اختصاصی به‌مثابه ریزش شبکه‌ای برابر، دال‌هایی هم‌ارز هستند.

اما در قانون برنامه پنجم توسعه در فصل ششم، مدلول توسعه «توسعه منطقه‌ای» است و مهم‌تر آنکه توسعه منطقه‌ای و اقتصاد، دال‌هایی هم‌ارز هستند که هر کدام فضای اختصاصی دالی مشابهی دارند؛ بدین ترتیب، فصل پنجم مربوط به مسائل اقتصادی و فصل ششم مربوط به توسعه منطقه‌ای است که در آن ریزشکله‌ای خاص به مبحث محیط‌زیست اختصاص داده شده است؛ بنابراین دیگر دال‌های محیط‌زیست و توسعه دال‌های هم‌ارز نیستند و دال محیط‌زیست ضمن آنکه کلمه «حفاظت» از آن حذف شده، زیرمجموعه «توسعه» بوده و به‌نوعی دال در سایه توسعه، محسوب می‌شود. در نتیجه در برنامه پنجم توسعه، حتی در شکل‌دهی ساختار فضای گفتمانی، دال محیط‌زیست نسبت به برنامه چهارم توسعه، تضعیف جایگاه یافته است.

دگرگونی پارادایمی دیگر این برنامه نسبت به برنامه چهارم آن است که توسعه از پدیده‌ای فراگیر و جامع، به مدل ایدئال منطقه‌ای با شکلی متفاوت دگرگون شده است. در ماده ۱۷۸ این قانون، متولی محیط‌زیست دارای جایگاه در شورای برنامه‌ریزی و توسعه هر استان به ریاست استاندار است. در ماده ۱۸۲ این قانون، برای اولین بار دال «شورای آمایش سرزمین» مطرح شده که نکته قابل تحلیل آن این است که آمایش سرزمین نیز دال در سایه توسعه، در فضای گفتمانی این قانون بر ساخته شده است. همچنین ماده ۱۸۲، ماده‌ای در تعارض با ماده ۱۷۸ و همین‌طور عنوان این فصل که «توسعه منطقه‌ای» است می‌باشد؛ بدین ترتیب، در حالی که توسعه به‌عنوان پدیده‌ای منطقه‌ای بر ساخته شده، در زیربخش‌های همین فصل، از «نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی» نیز بحث شده است و به تعارض‌های اساسی این دو مفهوم توجهی نشده است. در این ماده نیز، متولی محیط‌زیست هم‌ارز با سایر متولیان، دارای جایگاه تثبیت شده است.

در بند ب ماده ۱۸۴، با مطرح شدن دال‌های شاخص «اثرهای محیطی توسعه» و «شاخص ظرفیت‌زیستی»، پیش‌فرض تعارض دال‌های توسعه و محیط‌زیست، بار دیگر به‌خوبی نمایان شده است که هر دو دال نیز دال‌هایی خالی هستند. در بند ج همین ماده، به «شاخص‌های پایداری منطقه‌ای و ملی» اشاره شده که علاوه بر اینکه دال‌هایی خالی هستند، نشانه تأکید بر ادراک منطقه‌ای پدیده‌ها نیز هستند. «شورای عالی حفاظت محیط‌زیست» به‌عنوان متولی محیط‌زیست در همین ماده، دارای جایگاهی بسیار تقویت شده است.

در بند الف ماده ۱۸۷ مبحث محیط‌زیست قانون برنامه پنجم توسعه، دال‌هایی با

ترکیبات نوین همچون «زیست‌بوم‌های حساس و شکننده»، «مدیریت یکپارچه زیست‌بومی» و «برنامه عملیاتی حفاظت و بهره‌برداری پایدار» در ریزش‌بکه دال محیط‌زیست، برای نخستین‌بار مطرح می‌شوند. اصلاح اساسنامه صندوق ملی محیط‌زیست نیز دیگر مسئله مورد توجه همین بند است. البته همکاری قوه قضائیه در تحقق مفاد این بند نیز به نوعی تقویت دال محیط‌زیست محسوب می‌شود.

در تبصره ۲ ماده الف این ماده، مناطق ساحلی و دریایی با حساسیت بالای محیط‌زیست، «مسئله» شده‌اند و متولی محیط‌زیست جایگاهی تثبیت شده دارد، اما در بند ب همین ماده، بازهم شاهد فرایند الاکلنگی هستیم که در آن به تشکیل «سازمان توسعه و عمران دریا و سواحل» بدون رویکرد خاص محیط‌زیست، تأکید شده که جایگزین «طرح جامع سامان‌دهی سواحل با تأکید بر محیط‌زیست» در برنامه چهارم توسعه است؛ بنابراین حتی در دو بند متفاوت یک ماده، دال محیط‌زیست، تقویت و تضعیف شده است.

در ماده ۱۸۸ این قانون که اصلاحی ۸ تیر سال ۱۳۹۰ است، متولی محیط‌زیست، ملزم به تعیین استانداردهای محیط‌زیست شفاف و ثابت با هدف تسهیل امر سرمایه‌گذاری شده است، اما در برساخت فضای گفتمانی آن مجدداً دال محیط‌زیست، دال در سایه توسعه است و پویایی دال محیط‌زیست و استانداردهای آن، به نفع تقویت دال توسعه نادیده گرفته شده و عدم پویایی آن تثبیت شده است. حتی در این ماده هر گونه الزام به أخذ مجوز موردی به‌جز برای صنایع بزرگ لغو شده است.

در ماده ۱۸۹ این قانون، آگاهی‌های محیط‌زیست و لزوم فرهنگ‌سازی که در برنامه چهارم توسعه مطرح شده‌اند، مجدداً تکرار شده‌اند. در همین بند، درخشان‌ترین نکته برنامه چهارم توسعه، یعنی تنها باری که مدل ایدئال‌گرایانه در قوانین برساختی داخلی ایران ترسیم شده است، عیناً در فضای گفتمانی این قانون تکرار شده و برای دومین بار، دال «توسعه پایدار»، دال در سایه دال «محیط‌زیست» شده است.

در ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ این قانون، با تأکید بر اجرایی کردن دال‌های مطرح شده در برنامه چهارم توسعه، یعنی «برنامه مدیریت سبز» و «برنامه مدیریت زیست‌بومی در زیست‌بوم‌های حساس به‌ویژه دریاچه ارومیه»، دال محیط‌زیست، دالی تقویت شده است. در ماده ۱۹۱ مشابه برنامه چهارم، بر محدودیت شکار، مجدداً تأکید شده است. در ماده ۱۹۲ این قانون، دال «ارزیابی محیط‌زیست» در برنامه‌های سوم و چهارم

توسعه، به دال «ارزیابی اثرهای محیط‌زیست» در مرحله مطالعاتی طرح‌های بزرگ تولیدی، عمرانی و خدماتی تغییر کرده است. دال محیط‌زیست در این ماده، با لزوم ارتقاء مشخصات فنی واحدهای بزرگ صنعتی، خدماتی، عمرانی، تولیدی و زیربنایی با هدف سازگاری با استانداردهای محیط‌زیست و کاهش آلودگی و تخریب منابع پایه خصوصاً در حوزه منابع طبیعی و منابع آب، دالی تقویت شده است که این تقویت با الزام به محاسبه ارزش اقتصادی منابع محیط‌زیست و ورود آن به حساب‌های ملی افزایش یافته است. همچنین در فضای گفتمانی این برنامه، دال ترکیبی «ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و محیط‌زیست» و «هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط‌زیست» که در برنامه چهارم توسعه مطرح شده بود، اجرایی شده و بر ضرورت ورود آنها به حساب‌های ملی تأکید شده است.

آخرین تقویت دال محیط‌زیست در همین ماده، اجرایی شدن طرح‌های خوداظهاری برنامه چهارم توسعه برای پایش آلاینده‌گی است که باید به کمک نصب و راه‌اندازی سامانه پایش لحظه‌ای و مداوم، عملیاتی شود.

در ماده ۱۹۳ این قانون، مدیریت پسماند کشور که در برنامه توسعه چهارم قرار بود در ابتدا برای استان‌های گیلان، گلستان و مازندران اجرایی شود، برای شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، شهرهای حاشیه تالاب‌های داخلی و شهرهای ساحلی اجرایی شده است. دال ترکیبی نوین «روش‌های آلی (ارگانیک) مانند کرم پوسال (ورمی کمپوست)» در باز یافت پسماند، تقویت‌کننده دال محیط‌زیست در این ماده است. ممنوعیت دفن پسماند شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر و شهرهای حاشیه تالاب‌های داخلی و شهرهای ساحلی در انتهای برنامه پنجم توسعه، نقطه درخشان دیگری در تقویت دال محیط‌زیست است.

در بند ب همین ماده دال‌های «ریزگردها» و «انتشار گازهای گلخانه‌ای» برای نخستین بار در برنامه‌های توسعه مطرح شده‌اند. لزوم کاهش آلودگی هوا در حد استانداردهای جهانی، بندی دیگر برای تقویت دال محیط‌زیست است که در آن اولویت با شناسایی کانون‌های انتشار ریزگردها و مهار آنها، همچنین کنترل و کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای است. در فضای گفتمانی این قانون، در ریزش‌بکه آلودگی هوا، «استانداردهای ملی» در برنامه چهارم که البته در برنامه سوم «استانداردهای جهانی» بودند، مجدداً به «استانداردهای جهانی» تغییر یافته‌اند و به‌نوعی دال محیط‌زیست اگرچه غیرواقع‌بینانه، اما در این دگرگونی تقویت شده است. همچنین دال «کلان‌شهرها» در برنامه چهارم توسعه به «شهرها» در برنامه

پنجم تغییر یافته که به معنی گستردگی ریزش شبکه آلودگی هوا و تقویت مجدد دال محیط زیست است.

در بند ج همین ماده، برای نخستین بار بهره‌برداری صنعتی و معدنی از تالاب‌های داخلی، مسئله شده و هرگونه بهره‌برداری جدید از این تالاب‌ها، مطلقاً ممنوع شده است. پیش‌فرض بند د این ماده، تعارض اساسی توسعه و محیط‌زیست، حداقل در ریزش شبکه تالاب‌ها است و در همین بند تلاش شده با مشارکت بهره‌برداران، به‌مثابه توجه به ذی‌نفعان و البته ایجاد همسویی میان متولیان بخش‌های آب، کشاورزی، منابع طبیعی، گردشگری و محیط‌زیست که برای نخستین بار به تناقض‌ها و تعارض‌های موجود میان عملکرد آنها توجه شده، با رویکرد «مدیریت یکپارچه (که البته خود دالی خالی است)»، در راستای رفع چالش‌های موجود گامی برداشته شود. فصل هشتم قانون برنامه پنجم توسعه به مبحث حقوقی قضایی اختصاص دارد. برای نخستین بار دال محیط‌زیست با تأکید بر آموزش همگانی محیط‌زیست، ذیل گسترش فرهنگ حقوقی قضایی، با هدف پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی حقوقی، دالی تقویت شده است.

از سوی دیگر در بند ۲ بخش د ماده ۲۱۱ این فصل، محیط‌زیست به‌مثابه حقوق شهروندی بر ساخته شده که هم‌ارز با امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی، بیمه‌ای و بانکی قرار گرفته است. بر ساخت محیط‌زیست به‌عنوان حق شهروندی، به نوعی جهش مدلولی برای دال محیط‌زیست است.

آخرین حضور دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی برنامه پنجم توسعه، در فصل نهم یعنی «بودجه و نظارت»، در ماده‌های ۲۱۵ و ۲۲۴ رخ داده که در آنها هم‌ارزی «توجیه فنی اقتصادی، مالی و پدافند غیرعامل» با «توجیه محیط‌زیست»، مجدداً رخ داده و در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و طرح‌های صدور اوراق سکوک اسلامی و یا اوراق مشارکت ارزی، «مسئله» شده است که البته در مورد اول، متولی محیط‌زیست نیز دارای جایگاه تثبیت شده است.

۲-۱-۳. سایر قوانین

دومین قانون دوران برنامه پنجم توسعه، قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی است. این قانون در ۱۳۸۹/۱۲/۴ تصویب شده است. در ماده ۱ فصل اول این قانون که به کلیات و تعاریف اختصاص دارد، «توسعه پایدار و محیط‌زیست»، دال‌هایی هم‌سو و متعارض دال‌های «تولید ملی و رفاه اجتماعی» شناخته می‌شوند. هدف آرمانی

گفتمان این قانون، همسویی این دو ریزش‌بکه متعارض است و حرکت از سمت مدل تعارض به سوی مدل درهم‌تنیده.

در ماده ۱۱ این قانون، متولی محیط‌زیست به سایر متولیان از وزارتخانه‌های نفت، نیرو، مؤسسه استاندارد و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، در راستای تعیین معیارها و استانداردهای مصرف انرژی فرایندها و تجهیزات انرژی‌بر، همچنین مصرف انرژی مشترکین، قدرت یافته و تثبیت شده است. در ماده ۱۴ این قانون، آلودگی محیط‌زیست و مصرف انرژی، دال‌هایی همسو تثبیت شده‌اند که در راستای کاهش هر دو، مشوق‌های مالی در نظر گرفته شده است؛ البته در فرایند اجرایی این امر، متولی محیط‌زیست وجود ندارد.

ماده ۱۶ این قانون، بازسازی و گسترش صنایع را در سایه دال محیط‌زیست قرار می‌دهد. ماده ۱۸ این قانون که به مصرف انرژی در بخش ساختمان و شهرسازی اختصاص دارد، ماده تقویت‌کننده دال محیط‌زیست است که در آن دال ترکیبی «ساختمان سبز» برای نخستین بار مطرح شده و دال «انرژی‌های تجدیدناپذیر» نیز مسئله شده است. اگرچه در «آیین‌نامه‌های کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها» با رویکرد جهت‌گیری به سوی ساختمان‌های سبز و شهرسازی برپایه کمترین میزان مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر، متولی محیط‌زیست، همچنان متولی غایب است. ماده ۲۸ این قانون به ریزش‌بکه مصرف انرژی در بخش کشاورزی اختصاص دارد که در آن بر بازدهی آب و روش‌های نوین آبیاری تأکید شده و متولی محیط‌زیست، در راستای کاهش مصرف انرژی برای هر واحد سطح زیرکشت باغی و زراعی، در کنار سایر متولیان همچون وزارتخانه‌های نیرو و نفت، وزارت جهاد کشاورزی و مؤسسه استاندارد، متولی تثبیت شده است.

فصل هشتم گفتمان این قانون به ریزش‌بکه حمل‌ونقل اختصاص دارد و اگرچه در تبصره ۲ ماده ۳۱ آن «کاهش سفر»، «کاهش مصرف سوخت» و «حفظ محیط‌زیست»، دال‌هایی هم‌ارز هستند که در چهارچوب طرح جامع حمل‌ونقل باید مورد توجه قرار گیرند، اما در بدنه این ماده، تنها «حجم ترافیک» و «مصرف سوخت»، مسئله هستند و دال محیط‌زیست، دالی غایب است.

ماده ۴۰ همین فصل، عرضه انواع سوخت مورد نیاز بخش حمل‌ونقل را منوط به رعایت استانداردهای محیط‌زیست کرده است. همچنین در ماده ۴۱، متولی محیط‌زیست در راستای اجرای استانداردهای کاهش «مصرف سوخت و آلودگی هوا» در کنار متولیان دیگر همچون وزارتخانه‌های کشور، نفت، راه و شهرسازی، مؤسسه

استاندارد و شهرداری‌ها، متولی تثبیت شده است.

ماده ۶۱ این قانون، ماده‌ای درخشان در تقویت دال محیط‌زیست است که در آن منابع تجدیدپذیر انرژی دارای ریزش‌بکه‌ای خاص است. در این ریزش‌بکه برای نخستین‌بار در قوانین ایران، دال‌های «انرژی بادی»، «انرژی خورشیدی»، «زمین‌گرمایی»، «زیست‌توده» و «انرژی دریایی» مطرح شده‌اند. زیست‌توده خود دارای ریزش‌بکه کوچک‌تری است که در آن استحصال انرژی از زائده‌های کشاورزی و جنگلی و زباله‌ها، همچنین از فاضلاب‌های شهری، صنعتی و دامی و دال‌های «بیوگاز و بیومس» در آن مسئله بوده است. تبصره ۳ این قانون نیز تأمین منابع مالی برای خرید تضمینی برق از منابع تجدیدپذیر را علاوه بر میزان صرفه‌جویی سوخت‌های فسیلی مرتبط با منافع حاصل از حفاظت محیط‌زیست کرده است؛ بنابراین دال - محیط‌زیست و صرفه‌جویی حاصل از حفاظت آن، سبب تقویت این دال در فضای گفتمانی این قانون شده است.

در ادامه این دوران، قانون بودجه سال ۹۰ کل کشور شایان توجه است که در بند ۱ آن، وزارت نفت مکلف شده، یک‌سوم از قیمت گاز طبیعی تصفیه شده تحویلی به صنایع را در زمینه طرح‌های حفاظت محیط‌زیست (البته با متولی نفتی و شرکت‌های تابعه) هزینه نماید. بند ۱۳۱ این قانون نیز مشابه برخی قوانین بودجه پیشین، اعتبار مستقیم برای جلوگیری و جبران آلاینده‌های محیط‌زیست را در نظر گرفته که علاوه بر جریمه و اعتبار غیرمستقیم، هزینه خواهد شد و سبب پاسخگویی بیشتر محیط‌زیست شرکت‌هایی با فعالیت‌های آلاینده، خصوصاً شرکت‌های فعال نفت و گازی است. در این بخش متولی محیط‌زیست، متولی تقویت شده است.

در یازدهم آبان ۱۳۹۰، ایران به مجمع بین‌المللی انرژی ملحق شده است. در بند ۲ متن اساسنامه این قانون، اگرچه مدلول «توسعه»، رشد اختصاصی است، اما دال‌های «محیط‌زیست»، «توسعه»، «انرژی» و «فناوری»، دال‌هایی هم‌ارز هستند؛ بنابراین گفتمان این قانون، ذیل مدل درهم‌تنیده قرار می‌گیرد.

پس از انقلاب اسلامی، در ۱۳۶۲/۳/۱، قانون معادن تصویب شده است که در متن آن، دال محیط‌زیست وجود ندارد. سپس در ۱۳۷۷/۳/۲۳ نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون معادن دیگری را تصویب کرده است که در اصلاحیه آن مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، سه‌بار دال محیط‌زیست، به فضای گفتمانی قانون افزوده شده است. در ماده ۱۰ این قانون، ماده ۱۲ قانون سال ۱۳۷۷، با افزودن متولی محیط‌زیست (رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست) به شورای عالی معادن، اصلاح شده است.

گفتمان ماده ۱۲ این قانون نیز، ماده ۱۴ قانون پیشین را به این شکل اصلاح کرده است که حفظ محیط‌زیست، سبب معاف شدن از پرداخت حداکثر ۲۰ درصد از حقوق دولتی، برای بهره‌برداران معادن خواهد شد.

ماده ۱۶ این قانون هم که اصلاحیه ماده ۲۴ سال ۱۳۷۷ است، متولی محیط‌زیست را مکلف کرده در مورد اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، در جنگل‌ها و مراتع و یا مناطق چهارگانه حفاظت شده محیط‌زیست (پارک ملی، اثر طبیعی ملی، مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش) اعمال نظر نماید، اما همچنان این بند نیز در تبصره ۳ خود، سبب تضعیف دال محیط‌زیست شده است. آنجاکه سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلف شده با وزارت صنعت، معدن و تجارت در مورد معادن متروکه واقع در مناطق چهارگانه حفاظت محیط‌زیست رایزنی نماید، اما اگر وزارت صنعت، معدن و تجارت توافقی با سازمان محیط‌زیست نداشته باشد، می‌تواند با در نظر گرفتن نوع ماده معدنی و میزان ذخایر آن، اگر از نظر مصالح ملی بهره‌برداری از این معدن به مصلحت باشد، با تصویب هیئت وزیران نسبت به احیاء و راه‌اندازی آن اقدام نماید؛ بنابراین در اینجا دال محیط‌زیست، دال در سایه «مصالح ملی» است و «مصالح ملی»، دالی تهی از مفهوم محیط‌زیست است.

همچنین در گفتمان قانون عضویت ایران به «انجمن بین‌المللی آب» مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۳، دال مرکزی «آب» است و «محیط‌زیست» دالی ویژه است. ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه محیط‌زیست و تشویق تحقیق‌های نوین در این زمینه، از اهداف اصلی این انجمن هستند. «مدیریت آب»، «چرخه آب» و «آب سالم» از دال-های ترکیبی اصلی فضای گفتمانی این قانون می‌باشند. همچنین می‌توان اشاره کرد که «آب» و «محیط‌زیست» در این فضای گفتمانی، دال‌هایی وابسته‌اند.

یکی از اهداف مجمع آسیایی بو.آ.او. که ایران در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ به آن ملحق شده است، به شرح زیر است:

ایجاد موقعیتی برای گفتگو میان رهبران دول، بنگاه‌های خصوصی، نهادهای فرهنگی و سایر انجمن‌های قضایی، در باب اقتصاد، محیط‌زیست و امور اجتماعی. بنابراین به نظر می‌رسد در فضای گفتمانی این قانون، «اقتصاد و محیط‌زیست» دال‌هایی هم‌ارز هستند، اما در ماده ۶ فصل ۲ آن، به صراحت «محیط‌زیست»، زیربخشی از توسعه اقتصادی اجتماعی آسیا و جهان محسوب شده؛ بنابراین فضای گفتمانی این قانون را می‌توان ذیل مدل هم‌پوشانی طبقه‌بندی کرد.

توافقنامه عشق‌آباد مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۱۹، که در واقع توافقی میان ایران، عمان،

ترکمنستان و ازبکستان برای ایجاد دالان و گذر بین‌المللی میان آنهاست، دال‌های «زندگی»، «سلامت»، «محیط‌زیست» و «امنیت ملی» را دال‌های هم‌ارز بر ساخته است که در گفتمان این قانون، کالاهای آسیب‌رسان به دال‌های اشاره شده، به‌مثابه کالاهای خطرناک شناخته می‌شوند. «محیط‌زیست» با جمله «حفاظت محیط‌زیست طبق استانداردهای بین‌المللی» به‌عنوان یکی از اهداف موافقت‌نامه، دالی تقویت شده در گفتمان این قانون است.

ایران در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷، به انجمن جهانی زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی پیانک پیوسته است. «توسعه پایدار»، دال اصلی در فضای گفتمانی این قانون است، آنجا که پیشبرد «توسعه پایدار» انواع دریانوردی جهانی، هدف و مقصود اصلی انجمن برشمرده شده است. در گفتمان این قانون، «مدیریت، اقتصاد، ایمنی، محیط‌زیست، فناوری، سیاست‌گذاری و طراحی»، همگی دال‌هایی هم‌ارز هستند.

گروه دی ۸؛ گروهی متشکل از هشت کشور در حال توسعه بنگلادش، مصر، اندونزی، نیجریه، پاکستان، مالزی، ایران و ترکیه است که ایران در ۱۳۹۱/۱۲/۱، به آنها ملحق شده است. «توسعه اجتماعی اقتصادی»، دال مرکزی گفتمان این قانون است و دال‌های «صلح، گفتگو، همکاری، عدالت، تساوی و مردم‌سالاری»، مبانی این دال مرکزی، بر ساخته شده‌اند. اما «محیط‌زیست» دالی هم‌ارز با «صنعت، ارتباطات و اطلاعات، تجارت، بانکداری و خصوصی‌سازی، فناوری، کشاورزی، انرژی، بهداشت، جهانگردی، فرهنگ و ورزش، توسعه روستایی، فناوری و علوم و ریشه‌کنی فقر و توسعه منابع انسانی» است که در بخش زمینه‌های همکاری به آن اشاره شده است.

در ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور را تصویب کرده است و در آن، دال «محیط‌زیست» تحت عنوان «فرهنگ حفظ محیط‌زیست»، به‌مثابه یکی از اولویت‌های فرهنگی بر ساخته شده است. اقدام ملی راهبرد کلان شماره ۶ این قانون، «برنامه‌ریزی برای ارتقاء فرهنگ محیط‌زیست» است. همچنین، در راهبرد کلان شماره ۷ این قانون، محیط‌زیست دالی مرتبط با «اسلام، سلامت و تغذیه» قرار گرفته است و در بخش اقدام‌های ملی مربوط به این راهبرد، با عبارت «تدوین و اجرای سند محیط‌زیست، مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی»، همین‌طور بندهای «تقویت ضمانت‌های حقوقی حفظ محیط‌زیست» و «سنجش آگاهی محیط‌زیست»، تثبیت و تقویت شده است.

در بودجه سال ۱۳۹۲ نیز، پرداخت یک‌سوم قیمت گاز طبیعی به طرح‌های محیط‌زیست وزارت نفت هم مانند آنچه در قانون بودجه پیشین تشریح شد، تداوم یافته است. در این قانون دال محیط‌زیست هم‌ارز با دال‌های «آب و کشاورزی و منابع طبیعی»، توسط تصویب پرداخت تسهیلات به بخش‌های غیردولتی فعال در این بخش‌ها، دالی تقویت شده است. همچنین برای اولین بار در قوانین بودجه، مبلغی خاص با هدف مقابله با روند فزاینده و شدت وقوع بحران‌های محیط‌زیست در نظر گرفته شده است. دال‌های «سیل، گرد و غبار و خشکسالی»، دال‌های ویژه این ریزش‌بکه فضای گفتمانی هستند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۹۲/۰۴/۲۵، سند ملی گیاهان دارویی و طب سنتی را تصویب کرده است که در آن محیط‌زیست، دالی هم‌ارز با «جهان‌بینی توحیدی اسلام، عدالت‌محوری، اخلاق‌محوری، ثروت‌آفرینی و کرامت انسانی» است که این دال‌ها، تعیین‌کننده مبانی ارزشی این سند ملی بر ساخته شده‌اند.

در ماده ۲۵ فصل چهارم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳، صدور حیوانات وحشی در معرض نابودی، عادی یا کمیاب، پرندگان شکاری و غیرشکاری بومی یا مهاجر وحشی و انواع موجودات آبی، بدون أخذ مجوز از سازمان حفاظت از محیط‌زیست، به‌مثابه قاچاق کالای ممنوع، بر ساخته شده است. متولی محیط‌زیست در باب کشف امر قاچاق، هم‌ارز با سایر متولیان یعنی وزارت بهداشت، جهاد کشاورزی، گمرک، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان میراث فرهنگی، بانک مرکزی، شیلات، دخانیات و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، متولی تقویت شده است.

قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کشور، نسبت به قوانین بودجه پیشین، دارای تفاوت ماهوی است؛ به‌این‌شکل که دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون تقویت شده است؛ برای مثال جبران خسارات محیط‌زیست از ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی)، در این قانون تصریح شده است. همچنین کاهش «گازهای گلخانه‌ای، کاهش مصرف انرژی و افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر» در این قانون، خود یک ریزش‌بکه را تشکیل داده‌اند. در این قانون نیز توجه فنی، اقتصادی، مالی و محیط‌زیست، هم‌ارز با یکدیگر بر ساخته شده‌اند.

در تبصره ۵ ماده واحده این قانون، «محیط‌زیست، منابع طبیعی، آب و کشاورزی و صنایع تبدیلی و تبدیلی تکمیلی»، دال‌هایی هم‌ارز هستند که با اختصاص ۱۰ درصد از منابع ورودی به صندوق توسعه ملی در این سال به آنها، تقویت و تثبیت

شده‌اند. مشابه قانون بودجه پیشین، «گرد و غبار و خشکسالی» در این قانون مسئله بوده اما «حفاظت، احیاء و پایش تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور» نیز به این فضای گفتمانی افزوده شده است.

آخرین تقویت دال محیط‌زیست در تبصره ۲۱ این قانون است که برای شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون نفر و یا شهرهای آلوده، عوارض خاصی با هدف مقابله با آلودگی محیط‌زیست و گسترش حمل‌ونقل عمومی، به تشخیص متولی محیط‌زیست، اختصاص یافته است.

در ۱۳۹۳/۱۲/۴، برخی مواد به قانون «تنظیم‌بخشی مقررات ملی دولت» افزوده شده است که در باب نحوه تسویه حساب بین وزارت نفت و دولت (خزانه‌داری کل کشور)، هزینه‌های جبران خسارات محیط‌زیست، از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی)، از نظر مالیاتی با نرخ صفر محاسبه خواهد شد. در این قانون نیز در بندهای متفاوت، توجیه فنی، اقتصادی، مالی و پدافند غیرعاملی، دال-هایی هم‌ارز با توجیه محیط‌زیست هستند. همچنین متولی محیط‌زیست در تبصره ماده ۲۳ این قانون، با تنظیم ضوابط محیط‌زیست برای طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای، متولی تقویت شده است.

در ماده ۵۲ این قانون، «اهلیت متقاضی» نیز دالی هم‌ارز توجیه فنی، مالی، محیط‌زیست و ... است، اما در باب اختصاص ۱۰ درصد از صندوق توسعه ملی به بخش‌های آب و کشاورزی و محیط‌زیست و ... در قانون بودجه پیشین، در بند الف این ماده، بخش «صادرات محصولات کشاورزی» نیز به بخش‌های مذکور افزوده شده است که به‌طور غیرمستقیم، تضعیف‌کننده دال محیط‌زیست است.

ماده ۷۰ این قانون، ۲۰ درصد قیمت نفت‌گاز (گازوئیل) را به صرفه‌جویی در مصرف سوخت، کاهش آلاینده‌گی محیط‌زیست و کاهش تلفات ناشی از تصادف‌های جاده‌ای با گسترش ناوگان و شبکه حمل‌ونقل، اختصاص می‌دهد که باری دیگر، تقویت دال محیط‌زیست به حساب می‌آید. ماده ۸۰ این قانون هم، در راستای اجرایی شدن «طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح» گام برداشته است که در آن، شرایط محیط‌زیست، تبدیل به مسئله شده است.

بند نوین محیط‌زیست قانون بودجه ۱۳۹۴، علاوه بر هم‌ارزی توجیه فنی، اقتصادی، مالی و محیط‌زیست، اختصاص بودجه به طرح‌های محیط‌زیست معدنی است. در تبصره ۱۰ بند د این قانون، دال محیط‌زیست، دالی تقویت شده است؛ این‌گونه که به دولت اجازه داده شده تا سقف عددی مشخص و ۵۰ درصد هزینه‌های

ارتقاء وضعیت محیط‌زیست واحدهای تولیدی را، برای کمک به کسب حق امتیاز تولید کالا یا خدمت و یا ثبت اختراع به این واحدها کمک نماید؛ بنابراین به‌طور غیرمستقیم در این فضای گفتمانی، افزایش هزینه‌های محیط‌زیست واحدهای تولیدی، تشویق و تثبیت شده است.

در این قانون علاوه بر «پدیده‌های گردوغبار، خشکسالی، حفاظت از تالاب‌ها و دریاچه‌ها»، گسترش «روش‌های نوین آبیاری» نیز، مسئله شده و موردتوجه قرار گرفته است. اگرچه در بند ب تبصره ۲۰ این قانون، «تولید، حمل‌ونقل عمومی، انرژی و محیط‌زیست»، دال‌هایی هم‌ارز هستند، اما با تثبیت اجازه به دولت برای صرف بخشی از منابع حاصل از قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت بهبود وضعیت دال‌های مشروح، دال محیط‌زیست نیز به‌مثابه دالی تقویت شده بر ساخته شده است.

«منشور سازمان همکاری اقتصادی دی - هشت» که در سال ۱۳۷۶ تأسیس شده، در ۱۳۹۴/۵/۱۸، در ایران تصویب شده است. در فضای گفتمانی این قانون اگرچه توسعه دارای مدلول صفر است و در پایداری رشد در کنار هم برای آن تثبیت شده است، اما با افزوده شدن دال‌های جامع و برابر، و همچنین «... تضمین پایداری محیط‌زیست در مسیر توسعه بلندمدت...» دیگر دال محیط‌زیست دالی در سایه نیست. همچنین این دال در ماده ۲ قسمت ۲ فصل ۱ این قانون هم‌ارز با دال‌های تجارت، صنعت، کشاورزی، انرژی و ... قرار گرفته و دالی تقویت شده است.

کنوناسیون چهارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریایی خزر، با پروتکل حفاظت از این دریا در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی، تقویت شده و ایران در ۱۳۹۴/۵/۱۸، به این پروتکل پیوسته است. در فضای گفتمانی این قانون، دریای خزر که دالی مرکزی است به‌مثابه بزرگترین پیکره آبی درون سرزمینی در جهان بر ساخته شده است. مدلول توسعه در این قانون توسعه یکپارچه است که در آن بهره‌برداری پایدار دالی ویژه در ریزشکه این توسعه می‌باشد، اما تأکید بر پاسخگویی به نیازهای نسل‌های فعلی و آتی، تا حدودی فضای گفتمانی این قانون را به‌سوی گفتمان توسعه پایدار پیش برده است.

در ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و پیوست‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ دال‌های ترکیبی محیط‌زیست زیر در فضای گفتمانی این قانون تثبیت شده‌اند: آلودگی محیط‌زیست، کنترل محیط‌زیست، بهترین رویه‌های محیط‌زیست، کیفیت محیط‌زیست، حفاظت از محیط‌زیست، آثار محیط‌زیست، آثار مخرب محیط‌زیست، ارزیابی آثار محیط‌زیست، اطلاعات

محیط‌زیست، اهمیت محیط‌زیست، وضعیت و ویژگی‌های محیط‌زیست، ظرفیت محیط‌زیست، خطرات و تبعات محیط‌زیست، منافع بالقوه محیط‌زیست، نتایج قابل‌قبول محیط‌زیست و رویه‌های سالم محیط‌زیست.

بیستمین قانون دوران برنامه پنجم توسعه، شبیه‌سازی برساختی ناهمگن است. این قانون تصویب کنوانسیون میناماتا می‌باشد که در ۱۳۹۴/۵/۱۸ مصوب شده است. در این قانون جیوه، سلامت انسان و محیط‌زیست دال‌های مرکزی هستند. مدلول توسعه پایداری است و به مسئله زنان، کودکان، جمعیت‌های آسیب‌پذیر، نسل‌های آتی، جوامع بومی و آسیب‌پذیری‌های خاص بوم‌سازگان‌های قطب شمال توجه شده است. همچنین در این قانون اقدام‌های اضافی اعضا تشویق شده است. در ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۲ این قانون دال‌های ترکیبی محیط‌زیست حفاظت از محیط‌زیست، خطرها و منافع محیط‌زیست، بهترین شیوه‌های محیط‌زیست، اثرهای محیط‌زیست، پایش و ارزیابی محیط‌زیست و پایداری محیط‌زیست دال‌های اصلی محیط‌زیست هستند.

در ۱۳۹۴/۵/۱۸ توافقنامه همکاری در خصوص آب و هواشناسی دریای خزر در ایران تصویب شده است. دریای خزر که در این قانون نیز دالی مرکزی است به‌مثابه عامل توسعه پایدار طرف‌های این توافقنامه برساخته شده است. در این قانون تأثیرهای منفی تغییرات اقلیم بر شرایط دریای خزر مسئله شده و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست دال‌هایی هم‌ارز در شرایط این منطقه جغرافیایی هستند.

یکی از وظایف اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که در تاریخ ۹۵/۱/۲۳ تصویب شده است، حفاظت از محیط‌زیست است که هم‌ارز با ایمنی، پدافند غیرعامل و سلامت قرار گرفته است؛ بنابراین تهیه پیوست محیط‌زیست در کلیه طرح‌های میان‌مدت و بلندمدت الزامی شده است و مدیرعامل این شرکت ناظر بر مسئله حفاظت محیط‌زیست برساخته شده است. تبصره ماده ۸۰ این قانون، توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست را دال‌هایی هم‌ارز قرار داده، اما آنها را در ریزش‌بکه مسئولیت اجتماعی شرکت برساخته است؛ بنابراین نمی‌توان مدلول توسعه را در این قانون پایداری تصور کرد، اما می‌توان پایداری را مدلولی آرمانی برای توسعه در فضای گفتمانی این قانون تصور کرد.

ایران و جمهوری اسلواکی در ۹۵/۸/۲۵ توافقنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دول خود را تصویب نموده‌اند. در فضای گفتمانی این قانون که سرمایه‌گذاری دالی مرکزی است، سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار دال‌های مرتبط

برساخته شده‌اند. در ریزش‌بکه سرمایه‌گذاری، سلامت، ایمنی، محیط‌زیست و کار دال‌هایی هم‌ارز و ویژه هستند. در این قانون برای نخستین‌بار در قراردادهای دوجانبه و چندجانبه ایران آثار سرمایه‌گذاری بر اجتماع محلی و محیط‌زیست با ریزش‌بکه خاص خود مورد توجه قرار گرفته است. در گفتمان این قانون محیط‌زیست، ایمنی، سلامت و رفاه عمومی دال‌های هم‌ارزی است که از اهداف مشروحی هستند که ملی شدن یا مصادره تلقی نخواهند شد مگر آنکه آنچنان شدید باشند که منطقی‌توان حُسن‌نیتی از آنها تعبیر کرد.

در ماده ۱۰ بخش ب گفتمان این قانون دال محیط‌زیست دالی به‌شدت تقویت شده است، آنجا که در بند ۱ آن، سرمایه‌گذاری‌ها از نادیده گرفتن شرایط محیط‌زیست منع شده‌اند و در بند ۲ آن طرفین متعهد شده‌اند سطح حمایتی خود را از محیط‌زیست و سیاست‌های توسعه پایدار تعیین نموده و در راستای بهبود آنها تلاش نمایند.

بدین ترتیب گفتمان این قانون بر محور سرمایه‌گذاری شکل گرفته است، اما محیط‌زیست و توسعه پایدار دال‌های به‌شدت تقویت شده‌ای برساخته شده‌اند. اما مجدداً در قانون توافق‌نامه همکاری اقتصادی بین ایران و مجارستان مصوب ۹۵/۸/۲۵، مدلول توسعه رشد اقتصادی است، اما دال محیط‌زیست نیز هم‌ارز با دال‌های توسعه زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل، خودرو، کشاورزی و صنایع غذایی، بهداشت، علوم و فناوری، توسعه منابع انسانی، گردشگری، بانک، سرمایه‌گذاری، بنگاه‌های کوچک و متوسط و همچنین منابع طبیعی و آب به‌مثابه زمینه‌های همکاری بلندمدت مطرح شده است و بدین ترتیب در گفتمان این قانون دالی در سایه دال توسعه نیست.

توافق دوجانبه بعدی توافق همکاری اقتصادی میان ایران و جمهوری لیتوانی مصوب ۹۵/۹/۲ است که بسیار مشابه توافق‌نامه همکاری اقتصادی میان ایران و مجارستان می‌باشد. در گفتمان این قانون نیز مدلول توسعه رشد اقتصادی است و دال محیط‌زیست به‌عنوان زمینه همکاری برساخته شده است، اما دال‌های هم‌ارز محیط‌زیست در این قانون صنعت، انرژی، حمل‌ونقل، علوم، فناوری و نوآوری، فناوری اطلاعات و مخابرات، کشاورزی، گردشگری، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی هستند؛ بنابراین دال محیط‌زیست جایگاهی کم‌رنگ‌تر از قانون همکاری میان ایران و مجارستان دارد؛ زیرا حوزه‌های آب و منابع طبیعی که دال‌های تقویت‌کننده دال محیط‌زیست در این قانون بوده‌اند از توافق‌نامه میان ایران و لیتوانی حذف شده‌اند.

قانون اساسنامه سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی‌بخش، تصویب شده ۹۵/۹/۲۴، اگرچه عنوانی محیط‌زیست‌گرا دارد، اما دال محیط‌زیست دال در سایه انرژی است. در گفتمان این قانون انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک دال‌هایی ویژه هستند، اما منوط به عدم کاهش سطح تولید ملی و رفاه اجتماعی شده‌اند، اگرچه رفاه اجتماعی دالی خالی در گفتمان این قانون است. در تبصره ۲ این قانون توسعه پایدار و محیط‌زیست دال‌های در سایه حفظ منابع فسیلی و اقتصاد انرژی هستند.

آخرین قانون دوران پنجم توسعه قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است که در ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ تصویب شده است. در ماده ۷ این قانون، متولی محیط‌زیست یکی از اعضای ۱۶ گانه تشکیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی بر ساخته شده است؛ در ماده ۲۳ این قانون، دال محیط‌زیست اگرچه به‌صراحت در متن قانون وجود ندارد، اما به شکل زیر دالی تقویت شده است؛ در این ماده وضع هرگونه مالیات یا عوارض برای صادرات کالاهای مجاز و غیرایرانه‌ای ممنوع شده، اما اقلامی که جنبه حفظ تنوع زیستی یا ذخایر ژنتیکی را دارند با متولی محیط‌زیست در کنار جهاد کشاورزی، از این ممنوعیت مستثنی شده‌اند. مسئله آب دارای ریزش‌بکه در فضای گفتمانی این قانون است و دال‌های مدیریت جامع آب و توسعه پایدار منابع آب دال‌های ویژه این ریزش‌بکه هستند. وزارت نیرو مکلف شده است آب را بر مبنای حوزه‌های آبریز اصلی بازسامانی کند و در تبصره ۲ این بند متولی محیط‌زیست دارای جایگاهی تثبیت شده است.

در ماده ۲۸ این قانون متولی محیط‌زیست از پرداخت هزینه‌های دادرسی برای رفع تصرف اراضی مربوط به حوزه خود معاف شده است.

ماده ۲۹ فضای گفتمانی این قانون ماده‌ای درخشان در تقویت دال محیط‌زیست است. در بند الف آن، بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و زیست‌گاه‌های طبیعی منوط به توان بوم‌شناختی (اکولوژیک) شمرده شده است. اگرچه دال توان بوم‌شناختی دالی خالی در فضای گفتمانی این قانون است. در بند ب همین ماده به مسئله مشارکت جوامع محلی و توانمندسازی آنان در حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی تأکید ویژه شده است و متولی محیط‌زیست نیز هم‌ارز با سایر متولیان در تدوین آیین‌نامه اجرایی این بند مشارکت داده شده است.

ماده ۳۰ این قانون به طرح جامع حمل‌ونقل کشور پرداخته و در آن دال‌های ایمنی، انرژی، اقتصاد، حمل‌ونقل و محیط‌زیست دال‌هایی هم‌ارز بر ساخته شده‌اند. بند الف ماده ۳۱ این قانون، متولی محیط‌زیست را یکی از ارکان نه‌گانه تشکیل شورای

برنامه‌ریزی و توسعه استان شناخته است که در آن پایداری دالی تقویت شده است. آخرین تقویت جایگاه متولی محیط‌زیست در ماده ۳۲ این قانون رخ داده که در آن این متولی یکی از اعضای شورای عالی آمایش سرزمین شناخته شده که هدف آن توسعه سرزمینی برساخته شده است.

۲-۳. دوران برنامه ششم توسعه (۱۳۷۳-۱۳۷۹)

۲-۳-۱. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی

در فضای گفت‌وگویی قانون برنامه ششم توسعه، حتی پیش از شروع شدن بخش‌های این برنامه، در ماده ۲ این قانون، مسائل محوری برنامه، تعیین شده و دولت موظف شده است، صرفاً طرح‌های مرتبط با این حوزه‌ها را در بودجه‌های سالانه اعمال نماید. بند الف از همین ماده، یعنی اولویت نخست از مسائل محوری برنامه، چالش‌های راهبردی در مورد آب و محیط‌زیست است؛ بنابراین در ابتدای برنامه با مسئله شدن چالش‌های «آب و محیط‌زیست» به‌عنوان یکی از موارد پنج‌گانه محوری برنامه، دال «محیط‌زیست» دارای فضای اختصاصی دالی ویژه خود گشته است. در ماده شش بخش دو این برنامه که به بودجه و مالیه عمومی اختصاص دارد، همانند برنامه توسعه پنجم، «عوارض وصولی ارزش افزوده و عوارض آلودگی واحدهای تولیدی» بر مبنای فضای تأثیرگذاری آلاینده‌ها، توزیع خواهند شد.

در ماده ۲۰ بخش ۳ این قانون که به نظام پولی بانکی و تأمین منابع مالی اختصاص دارد، توجیه فنی، اقتصادی، مالی و محیط‌زیست، دال‌هایی هم‌ارز هستند که برای طرح‌های دستگاه‌های اجرایی که می‌خواهند از تسهیلات مالی خارجی استفاده کنند، ضروری شناخته شده‌اند.

در ماده ۲۳ بخش ۴ این قانون که مربوط به ریزش‌بکه محیط کسب‌وکار، خصوصی‌سازی و مناطق آزاد است، دال محیط‌زیست برای نخستین‌بار در ایجاد مناطق آزاد تجاری، صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی، مسئله شده است و هم‌ارز با تأییدیه نظامی، امنیتی برای ایجاد این مناطق، الزامی شده است.

ریزش‌بکه کشاورزی، بخش هفتم فضای گفت‌وگویی این قانون را به خود اختصاص داده و در ماده ۳۲ آن، دال محیط‌زیست، دال در سایه دال ویژه «کشاورزی» قرار

گرفته است. به این ترتیب که پرداخت تسهیلات سرمایه‌گذاری، از صندوق توسعه ملی، به بخش «محیط‌زیست مرتبط با کشاورزی و منابع طبیعی» منوط شده است؛ بنابراین روشن است که این بند در راستای تقویت دال کشاورزی حرکت می‌کند و دال محیط‌زیست، مسئله این بند نیست.

«اقتصاد مقاومتی» دال ویژه دیگر این ریزش‌بکه است که در بند د ماده ۳۳ این قانون، به صراحت «حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور»، دال در سایه «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» برای حمایت از بخش کشاورزی قرار می‌گیرد، اما در همین بند، متولی کشاورزی همراه با سازمان صداوسیما، مسئول شده است تا برنامه‌های آموزشی ترویجی برای مدیریت مصرف آب و حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی در کنار بهبود کمی و کیفی کشاورزی نیز تهیه نماید؛ بنابراین در مجموع، بخش ۷ این قانون، ریزش‌بکه‌ای تضعیف‌کننده دال محیط‌زیست و تقویت‌کننده توسعه کشاورزی است؛ اگرچه دال محیط‌زیست در این ریزش‌بکه، مورد توجه نیز قرار گرفته است.

در فضای گفتمانی قانون برنامه ششم توسعه، «آب» ریزش‌بکه خاص خود را دارد و بخش ۸ را به خود اختصاص داده است. در ماده ۳۵ این بخش، بحران کم‌آبی برای نخستین بار به دالی اصلی تبدیل شده است؛ «رهاسازی حق‌آبه‌های محیط‌زیست، پایداری سرزمین، پایداری تولید کشاورزی، تعادل بخشی به سفره‌های زیرزمینی، ارتقاء بهره‌وری و جبران تراز آب»، دال‌های اصلی این ریزش‌بکه هستند.

در این ریزش‌بکه بحران کم‌آبی در مسائل توسعه کشاورزی و صنعتی تبدیل به مسئله شده است. در مبحث آب مصرفی کشاورزی، علاوه بر اشاره به افزایش بهره‌وری تولید، دال‌های نوینی همچون «مزیت نسبی، ارزش صادراتی بالا، نیاز آبی کمتر، سازگاری با شوری و مقاومت به خشکی»، همچنین «الگوی کشت مناسب منطقه»، برای نخستین بار، این فضای گفتمانی را شکل داده‌اند. سایر دال‌های اصلی شکل‌دهنده این ریزش‌بکه، «توسعه گلخانه، بازچرخانی پساب، مدیریت آب مجازی، انتقال کشت از فضای باز به فضای کنترل شده، مدیریت آب‌های نامتعارف، بازسازی و نوسازی قنوات، روش‌های نوین آبیاری، احداث سدهای معیشتی انتقال آب و احیاء، مرمت و لایروبی قنوات» هستند. اگرچه در همین ماده ۳۵ نیز با آنکه به نظر می‌رسد دال محیط‌زیست، دالی تقویت شده است، اما این دال، دال در سایه کشاورزی قرار گرفته و همه بندهای این ماده، هدف توسعه کشاورزی را دنبال می‌کنند که به‌ناچار در شرایط به‌وجود آمده فعلی، باید نگاه محیط‌زیست به مسئله آب نیز داشته باشند.

اما در بند د این ماده که تأمین حق‌آبه کشاورزان از چشمه‌ها، قنات‌ها و رودخانه‌ها، از آب سدهای احداثی بر روی آنها، الزامی شده، بیش‌ازپیش، جایگاه خاص دال ویژه کشاورزی در این ریزش‌بکه روشن شده است.

در ادامه، در بحث تغییر ساختار، اصلاح سامانه خنک‌کنندگی و شستشوی مواد خام شرکت‌های فولادی، آلیاژی و معدنی، دال محیط‌زیست تقویت شده است، اما هدف این بند نیز، تأمین آب بخش کشاورزی است.

یکی از مهم‌ترین تمایزهای برنامه ششم توسعه با برنامه‌های پیشین، آن است که «محیط‌زیست و منابع طبیعی»، مجدداً دارای یک بخش مستقل شده‌اند که این فضای اختصاصی دالی، بزرگ‌ترین تقسیم‌بندی موجود در فضای گفتمانی این قانون است. بدین ترتیب، «محیط‌زیست و منابع طبیعی»، هم‌ارز با «آب، کشاورزی، اقتصاد کلان و سایر بخش‌ها»، ریزش‌بکه خاص خود را دارا می‌باشند

دال توسعه به‌عنوان دالی که فضای اختصاصی برای خود داراست به توسعه روستایی تغییر کرده و بخش این قانون به توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر اختصاص دارد؛ بنابراین فضای اختصاصی دال توسعه از برنامه چهارم تا برنامه ششم این‌گونه تغییر کرده است که مدلول توسعه از توسعه مبتنی بر دانایی به توسعه منطقه‌ای و سپس توسعه روستایی تغییر یافته است. بدین ترتیب نگاه به توسعه از سطحی کلان به سطحی خرد تغییر یافته است. البته شایان توجه است که در ریزش‌بکه اختصاصی توسعه روستایی، توازن منطقه‌ای و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر، به‌هیچ‌وجه از دال محیط‌زیست استفاده نشده است.

اما در ریزش‌بکه اختصاصی محیط‌زیست و منابع طبیعی برای نخستین‌بار در برنامه‌های توسعه و برای نخستین‌بار در کل قوانین تحلیل‌گفتمان شده در این رساله، دال ارزیابی راهبردی محیط‌زیست (SEA) مطرح شده است؛ بنابراین در بند الف ماده ۳۸ این بخش که دال نوین نظارت و ارزیابی راهبردی محیط‌زیست (SEA) در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه و ارزیابی اثرهای محیط‌زیست (EIA) که دالی پیشتر مطرح شده است، برای طرح‌های بزرگ همه دستگاه‌های پهنه سرزمینی ضروری شده‌اند، تقویت دال محیط‌زیست به‌خوبی قابل مشاهده است.

در بند ب همین ماده، تالاب‌های بحرانی برای نخستین‌بار در برنامه‌های توسعه مسئله شده‌اند و به مشارکت جوامع محلی در حل این چالش توجه ویژه شده است. در بند پ این ماده بر اجرای تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه دال محیط‌زیست و در قالب بودجه‌های سنواتی برای نخستین‌بار در برنامه‌های توسعه تأکید شده است.

در بند ت نیز برای نخستین بار همکاری و مشارکت در طرح‌های بین‌المللی محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته و جلب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی داوطلبانه تشویق شده است. در این بند تأمین هزینه‌های مرتبط با کنوانسیون رامسر، از طریق کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی مسئله شده است.

دال ویژه ریزش‌بکه بند چ این ماده فاضلاب است و بازچرخانی، مدیریت پساب و فاضلاب و پیش‌فروش پساب دال‌های اصلی این ریزش‌بکه هستند که به تقویت دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون کمک می‌کنند. این ریزش‌بکه برای نخستین بار در برنامه‌های توسعه ایجاد شده است.

بند ه نیز بندی نوین است که برای نخستین بار به احیاء، توسعه و غنی‌سازی جنگل‌های به‌مثابه دالی مستقل در برنامه‌های توسعه تأکید کرده است.

حفاظت از خاک و آبخوان، بیابان‌زدایی و کنترل کانون‌های بحرانی، دال‌های ویژه بند خ و د این ماده هستند. نظارت بر اجرای طرح‌های جامد و مدیریت سالانه حداقل ۲۰ درصد از حجم پسماندهای موجود به‌ویژه در سواحل دریاها، رودخانه‌ها، جنگل‌ها و دشت‌های حاشیه تالاب‌ها، بند دیگری است که به تقویت دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون کمک کرده است. هرچند استفاده از دال ترکیبی روش مناسب در این بند، گزاره‌ای نامعلوم و ایجاد دالی شناور است.

متولی محیط‌زیست در کنار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری برای نخستین بار موظف به تهیه و اجرای طرح جامع پیشگیری و اطفاء حریق در جنگل‌ها شده‌اند که تأکید خاصی بر دال ویژه جنگل در این فضای گفتمانی است.

در بند ر این ماده پایداری جنگل‌ها و تعادل بخشی دام و مراتع، دال‌هایی هم‌ارزند که با رویکرد مدل درهم‌تنیده همسو با یکدیگر بر ساخته شده‌اند.

همچنین در این بند جنگل‌ها، مراتع، اراضی ملی و دولتی و مناطق چهارگانه محیط‌زیست، دال‌هایی هم‌ارز هستند که حفاظت از آنها با مشارکت جوامع محلی مسئله شده است.

در بند ز این ماده اجرای دال مدیریت سبز که در برنامه چهارم توسعه مطرح شده و در برنامه پنجم نیز دنبال شده بود، تداوم یافته است.

در بندهای س و ش همین ماده، دال برنامه جامع مقابله با ریزگردها و دال ترکیبی نوین جایگزینی موتورسیکلت‌های بنزینی با موتورسیکلت‌های برقی برای نخستین بار تبدیل به مسئله شده‌اند.

بند ص که در راستای تبدیل پسماند به کود یا انرژی گام برمی‌دارد، بار دیگر

دال محیط‌زیست را در فضای گفتمانی این قانون حفظ می‌کند. در بند ض به اقدام‌های اقتصادی، عمرانی و سیاسی برای چالش حق‌آبه رودخانه‌هاش مشترک مرزی مانند هیرمند و البته بعد محیط‌زیست این چالش توجهی ویژه شده است.

در بند ط نیز برای نخستین بار به حفاظت از مناطق چهارگانه محیط‌زیست و گونه‌های در معرض تهدید یا انقراض با تأکید بر جوامع محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و طرفیت‌های داوطلبانه نگاهی خاص شده است. نتیجه بند ض، بازاندیشی در محدوده مناطق چهارگانه محیط‌زیست با توجه به تقسیم‌های نوین جهانی است که بار دیگر تقویت دال محیط‌زیست را در پی دارد.

بند غ به تقویت جایگاه متولی محیط‌زیست در طرح‌های عمرانی دولتی و خصوصی پرداخته است. در بند ف این ماده بهره‌برداری چوبی از درختان جنگل ممنوع شده اما در تبصره ۲ ماده ۲ بند ف شاهد فرایند الاکلنگی هستیم که در آن برداشت درختان جنگلی برای طرح‌های عمرانی مجاز برشمرده شده و بار دیگر دال محیط‌زیست دال در سایه دال عمرانی قرار گرفته است.

همچنین زراعت چوب به‌مثابه درختکاری و جنگل‌کاری‌های دست‌کاشت مجاز برشمرده و تشویق شده است که به نوعی نادیده گرفتن مسئله آب و دال محیط‌زیست است و دال ویژه جنگل را محدود کرده و تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بدین ترتیب هرچند در بخش محیط‌زیست و منابع طبیعی شاهد فرایند الاکلنگی و حتی در سایه قرار گرفتن دال محیط‌زیست هستیم، اما با توجه به کثرت بندهایی که دال محیط‌زیست را در فضای گفتمانی این قانون تقویت می‌کنند، می‌توان این بخش را یکی از آرمانی‌ترین ریزش‌بکه‌های گفتمانی در جهت بهبود شرایط محیط‌زیست در قوانین پس از انقلاب اسلامی برشمرد.

بخش دهم قانون برنامه ششم به انرژی، صنعت و معدن اختصاص دارد و در ماده ۴۳ آن جایگاه متولی محیط‌زیست در شورای معادن تثبیت شده است. در این ماده به ملاحظه‌های محیط‌زیست و تخریب منابع طبیعی در مسئله معادن اشاره شده که البته هر دو دال‌هایی خالی هستند.

زنجیره ارزش و ارزش‌افزوده انرژی، دال‌هایی هستند که در ماده ۴۴ این بخش مطرح شده‌اند و به مسئله تلفات انرژی در بخش ساختمان اشاره کرده‌اند. اگرچه متولی محیط‌زیست در این چالش وجود ندارد.

اما در بند دیگری از همین ماده به دال محیط‌زیست در افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی جدید توجه شده است. در ریزش‌بکه حمل‌ونقل و در قالب طرح

جامع حمل‌ونقل کشور که در بند ۴ همین ماده به آن پرداخته شده است، برای نخستین بار دال کاهش مصرف کربن و هم‌ارزی آن با خودروهای یورو ۴ مطرح شده است. آخرین بخش برنامه ششم توسعه که تحلیل گفتمان شده است بخش ۱۷ می‌باشد که به فرهنگ، هنر و ورزش پرداخته است. در ماده ۹۶ این بخش همچنان که در برنامه‌های توسعه پیشین اشاره شده بود، به مسئله مناطق چهارگانه محیط‌زیست در گسترش اماکن و فضاهای ورزشی، توجه شده است.

در نهایت در ماده ۱۰۰ این بخش متولی محیط‌زیست در تدوین سند راهبردی توسعه گردشگری جایگاهی تثبیت شده هم‌ارز با وزارتخانه‌های کشاورزی، راه و شهرسازی، کشور و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به خود اختصاص داده است.

۲-۳. سایر قوانین

دومین قانون دوران برنامه ششم توسعه قانون بودجه سال ۱۳۹۶ مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ است که در آن مشابه بسیاری قوانین بودجه پیشین، توجیه محیط‌زیست هم‌ارز با توجیه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و پدافند غیرعامل برای تأمین مالی خارجی (فاینانس) طرح‌های بخش دولتی تثبیت شده است.

در بند ب تبصره ماده واحده این قانون، به دولت اجازه داده شد برای اخذ یا تضمین تسهیلات مالی و یا کمک بلاعوض از دول و مؤسسه‌های مالی خارجی و بین‌المللی برای طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای اقدام نماید. اولویت طرح‌ها به شرح ذیل است:

طرح‌های دانش‌بنیان، طرح‌های علوم و تحقیقات، کشاورزی، آب و خاک، محیط‌زیست و فرهنگ و هنر؛ بنابراین دال محیط‌زیست در کنار دال‌های آب و خاک، جایگاهی بالنسبه تقویت شده در فضای گفتمانی این قانون دارد. نکته شایان توجه این بند آن است که دال محیط‌زیست ذیل دال توسعه قرار گرفته است و به نوعی می‌توان این قانون را دارای مدل هم‌پوشانی در نظر گرفت.

در بند دیگری از این قانون هم‌ارزی توجیه محیط‌زیست در کنار توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی مجدداً تکرار شده است.

در بخش دوازدهم پیوست این قانون نیز دال محیط‌زیست در بخش پروژه‌های معدنی مجدداً دالی تقویت شده است.

در تاریخ ۹۶/۴/۲۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و

انتخاب شهرداران مجدداً اصلاح شده است، اما در مورد دال محیط‌زیست تغییری نسبت به آنچه در سال ۸۲ و در دوران برنامه سوم رخ داده بود اتفاق نیفتاده است. تنها ماده ۶۸ این قانون تحت عنوان وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا به ۷۶ تغییر کرده است و بر ساخت آن دقیقاً مشابه بر ساخت اصلاحیه سال ۸۲ است که پیشتر شرح داده شد.

یکی از ویژه‌ترین عناوین قانونی در دوران برنامه ششم توسعه، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵ است. در ماده ۱ این قانون شرایطی که در کوتاه‌مدت سلامت انسان و محیط‌زیست را دچار مخاطره جدی نماید موقعیت اضطراری بر ساخته شده است. در ماده ۱۱ این قانون متولی محیط‌زیست در زمینه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و محل واحدهای تولیدی و صنعتی و معدنی، جایگاهی تقویت شده یافته است. همچنین پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی، جبران خسارت و در نهایت ارجاع به مرجع قضایی مسیر پیش‌روی متخلفین از مقررات ابلاغی سازمان محیط‌زیست ترسیم شده است. تبصره ۳ همین ماده قانونی، واحدها و پروژه‌های بزرگ و متوسط مشمول قوانین محیط‌زیست را موظف به راه‌اندازی سامانه‌های پایش برخط لحظه‌ای می‌کند. در تبصره ۴ نیز، کلیه مراکز و واحدهای صنعتی و تولیدی به تشخیص سازمان محیط‌زیست مکلف به نمونه‌برداری و اندازه‌گیری آلودگی هوا در چهارچوب‌های خوداظهاری شده‌اند که باری دیگر تقویت دال محیط‌زیست است.

ماده ۱۲ این قانون، واحدهای آلوده‌کننده بیش از حد مجاز را مکلف نموده نسبت به رفع آلودگی، تغییر فرایند تولید و یا تعطیلی فعالیت خود اقدام نمایند و در مدت تعیین تکلیف نیز جریمه ایجاد و انتشار آلودگی را پرداخت نمایند. متولی محیط‌زیست در خصوص تعطیلی کامل فعالیت‌های این واحدها و جلوگیری از ادامه فعالیت و معرفی آنها به مرجع قضایی، جایگاهی تقویت و تثبیت شده دارد.

در ماده ۱۶ این قانون، مجازات ممانعت از انجام بازرسی نیز ذکر شده و در تبصره ۱ آن واحدهای متوسط ۵۰ نفر به بالا ملزم به ایجاد واحد سلامت، بهداشت و محیط‌زیست (HSE) و به‌کارگیری کارشناس محیط‌زیست شده‌اند که بار دیگر نتیجه آن تقویت دال محیط‌زیست است.

ریزشبکه ماده ۲۱ این قانون به طرح‌های جامع، شهرها، شهرک‌ها، شهرهای جدید و طرح‌های هادی روستایی یا توسعه این مناطق اختصاص دارد که در این ریزشبکه معیارهای محیط‌زیست، تناسب با شرایط اقلیمی و فضای سبز دال‌های ویژه هستند که در آن متولی محیط‌زیست جایگاهی تثبیت شده دارد.

ماده ۲۴ این قانون به ریزش‌بکه گرد و غبار اختصاص دارد و در این ریزش‌بکه بیابان‌زدایی و زیست‌بوم‌های حساس دال‌های ویژه هستند. همچنین مشارکت محلی، مشارکت دستگاه‌های اجرایی بومی، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی از دال‌های اصلی این ریزش‌بکه می‌باشند. در ماده ۲۵ این قانون وزارت نیرو مکلف شده متناسب با شرایط خشکسالی، عادی و یا ترسالی، نیاز آبی محیط‌زیست رودخانه‌ها، تالاب‌ها، خورها و زیست‌بوم‌ها را با تخصیص حق‌آبه زیر نظر متولی محیط‌زیست تأمین نماید.

در ماده ۳۳ این قانون که متولی محیط‌زیست مکلف شد جریمه خسارات وارده را هر دو سال یکبار تعدیل کند و همین‌طور ذکر آنکه ۱۰۰ درصد درآمدهای حاصل از اجرای این قانون صرف مقابله با منابع آلوده‌کننده هوا خواهد شد، دال محیط‌زیست برای آخرین بار در این قانون به‌شدت تقویت شده است.

در ۱۳۹۶/۹/۴، تقویت و توسعه نظام استاندارد تصویب شده است. در این قانون دال محیط‌زیست هم‌ارز با کار، ایمنی، سلامت عمومی، درآمد حلال، کیفیت، حمایت از مصرف‌کننده و ... می‌باشد که سازمان استاندارد می‌تواند اجرای استاندارد برای این دال‌ها را اجباری نماید. در تبصره ۲ همین ماده، دال محیط‌زیست مجدداً هم‌ارز با سلامت، ایمنی، بهداشت و اقتصاد قرار گرفته و در ورود کالاهای وارداتی، مسئله شده است.

در تبصره‌های ۳ و ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷، مشابه قوانین بودجه پیشین دال محیط‌زیست هم‌ارز با دال‌های فنی، اقتصادی، مالی قرار گرفته و در طرح‌های بخش دولتی شامل تأسیسات تأمین مالی خارجی (فاینانس) و انتشار اوراق مالی اسلامی ریالی مسئله بوده است.

در تبصره ۶ فضای گفتمانی این قانون، برای نخستین بار در قوانین بودجه به آثار مخرب مدیریت غیراصولی پسماندهای عادی توجه شده و سازمان مالیاتی مکلف شده تا بر فروش کالاهایی که مصرف آنها به تولید پسماند مخرب منجر می‌شود مالیاتی وضع کند که در آیین‌نامه اجرایی این بند متولی محیط‌زیست جایگاهی تثبیت شده دارد.

در تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۸، دال محیط‌زیست با اختصاص اعتبار برای انجام عملیات خاک‌پوش (مالچ‌پاشی کردن) سازگار با محیط‌زیست از محل منابع دریافتی بابت خوراک مایع تحویلی به پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها، دالی تقویت شده

است. در این قانون نیز هم‌ارزی دال محیط‌زیست با دال‌های فنی، اقتصادی و مالی، مشابه قوانین بودجه پیشین تکرار شده است. همچنین با ایجاد ریزش‌بکه پسماند دال محیط‌زیست دقیقاً مشابه با قانون بودجه ۱۳۹۷، به دالی ویژه بدل شده است.

در توافق‌نامه ایران و لوگزامبورگ، مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۴، مجدداً دال مرکزی سرمایه‌گذاری دالی مرتبط با توسعه پایدار بر ساخته شده است. در ماده ۱ این قانون محیط‌زیست ریزش‌بکه خاص خود را دارد و دال مرکزی در این ریزش‌بکه، قانون محیط‌زیست است؛ به معنای هر قانونی که هدف اولیه آن حفاظت از محیط‌زیست و یا اجتناب از خطری نسبت به حیات و سلامتی انسان، حیوان یا گیاه باشد. در این ریزش‌بکه آلاینده‌های محیط‌زیست، پسماندهای خطرناک، گونه‌های در خطر انقراض و مناطق حفاظت شده طبیعی دال‌های اصلی هستند. فضای گفتمانی این قانون در مورد اثر سرمایه‌گذاری بر جامعه محلی و محیط‌زیست و همچنین پذیرش محیط‌زیست به مثابه هدف عمومی مشروح در ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاری کاملاً مشابه با توافق‌نامه دوجانبه ایران و اسلواکی است.

در ماده ۱۱ این قانون طرفین از نادیده گرفتن محیط‌زیست در راستای تشویق سرمایه‌گذاری منع شده‌اند. همچنین باز کاملاً مشابه با توافق‌نامه ایران و اسلواکی، تعیین سطح حفاظت از محیط‌زیست و سیاست توسعه پایدار، برای طرفین و تلاش در راستای بهبود این سطوح، تثبیت شده است.

آخرین تقویت دال محیط‌زیست در بند ۴ ماده ۱۳ این قانون رخ داده که در آن طرفین به وضع مقررات محیط‌زیست ملزم و متعهد شده‌اند.

قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸/۳/۴، یکی از برترین قوانین تقویت‌کننده دال محیط‌زیست در دوران برنامه ششم است. در این قانون هرگونه عملیات معدنی منوط به رعایت استانداردهای محیط‌زیست شده است. دال مرکزی خاک در این قانون با دال‌های بانک ملی اطلاعات خاک، مطالعات خاک‌شناسی، نقشه‌های پهنه‌بندی خاک و ظرفیت بیماری‌زایی خاک مرتبط شده است.

در ماده ۷ این قانون کانی‌شناسی محیط‌زیست دالی نوین و همچنین متولی محیط‌زیست دالی غایب است.

ماده ۹ این قانون به ریزش‌بکه پایداری حاصلخیزی خاک اختصاص دارد که در آن متولی محیط‌زیست تثبیت شده و دال‌های کود، آفت‌کش، سم و بهبوددهنده رشد گیاه دال‌هایی ویژه هستند.

ماده ۱۰ این قانون نیز به همین ریزش‌بکه تعلق داشته و مرتبط با ورود، تولید،

بسته‌بندی، فروش، مصرف و ثبت و پایش دال‌های ویژه مشروح است.

در مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون متولی محیط‌زیست و مرجع قضایی در راستای رسیدگی به آلودگی خاک، متولیان تثبیت شده هستند.

خوداظهاری در امر پایش آلودگی خاک برای تمامی واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی، عمرانی، خدماتی، زیربنایی و معدنی در ماده ۱۸ این قانون مجدداً تقویت‌کننده دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون است.

ماده ۱۹ این قانون تقویت‌کننده دال محیط‌زیست با تأکید بر جزای نقدی جبران خسارت محیط‌زیست و ماده ۲۰ این قانون تقویت‌کننده متولی محیط‌زیست است.

در توافقنامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مصوب ۱۳۹۸/۳/۱۹، کمیسیون آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس، متولی تقویت شده است. دال محیط‌زیست در فضای گفتمانی این قانون هدف مشروحه است که می‌توان در تجارت متقابل برای آن مقررات فنی لازم را تصویب و اجرا نمود. همچنین می‌توان حفاظت از محیط‌زیست را در سطحی فراتر از استانداردهای بین‌المللی دنبال کرد.

در توافقنامه میان ایران و جمهوری چک مصوب ۱۳۹۸/۴/۳، دال مرکزی سرمایه‌گذاری دال مرتبط با توانمندی اقتصادی و توسعه پایدار شناخته شده همچنین سلامت، امنیت، محیط‌زیست و حمایت از مصرف‌کننده دال‌های اصلی فضای گفتمانی این قانون هستند. همچنین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مسئله این قانون است. بنابراین می‌توان این قانون را ذیل مدل همپوشانی قرار داد.

دال محیط‌زیست اگرچه به‌عنوان هدف مشروح که در صورت أخذ تدابیر متناسب غیرتبعیض‌آمیز برای حفاظت از آن به‌عنوان مصادره تلقی نخواهد شد دالی تقویت شده است، اما ذکر عبارت «به جز در شرایط نادر» پیش از تأکید به‌عنوان مصادره تلقی نشدن، تا حدودی این دال را تضعیف کرده است.

در ماده ۱۴ این قانون تأثیرگذاری بر وضع مقررات ملی محیط‌زیست منع شده است؛ بنابراین دال محیط‌زیست بار دیگر در این ماده تثبیت شده است.

در قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸/۵/۷، خسارت گسترده به محیط‌زیست به‌مثابه بحران برپا شده است. همچنین کمبودهای مادی و غیرمادی محیط‌زیست در جامعه که سبب می‌شود مخاطرات منجر به بحران شوند، آسیب‌پذیری نام گرفته‌اند.

در تبصره ۲ ماده ۸ فصل دوم این قانون، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور به

متولیان محیط‌زیست شورای عالی حفاظت محیط‌زیست و شورای عالی آب افزوده می‌گردد. در این قانون در زمینه همه‌گیری (اپیدمی) بیماری‌های انسانی همچنین نگهداری، حمل و مصرف مواد خطرناک، متولی محیط‌زیست دارای جایگاهی تثبیت شده است.

سیزدهمین قانون دوران برنامه جامع ششم توسعه، توافقنامه سرمایه‌گذاری میان ایران و مجارستان مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ می‌باشد. در فضای گفتمانی این قانون نیز همکاری اقتصادی، سلامت عمومی، محیط‌زیست، امنیت، ایمنی و توسعه پایدار در کنار کار و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دال‌هایی هم‌ارزند.

در بند ۶ ماده ۲ این قانون نادیده گرفتن استانداردهای محیط‌زیست برای تشویق سرمایه‌گذاری‌ها منع شده و در همین بند تأثیر سرمایه‌گذاری بر جامعه محلی و محیط‌زیست مسئله بوده است.

در این قانون نیز حفظ محیط‌زیست هدف مشروح اعمال قوانین یک‌سویه است. دال محیط‌زیست در این قانون با عدم ایجاد محدودیت در اعمال قوانین ملی حمایتی از محیط‌زیست دالی تقویت شده است. درنهایت تدابیر غیرتبعیض‌آمیز محیط‌زیست که خودسرانه و نامتناسب نباشند و همچنین با حسن‌نیت اتخاذ شده باشند صادره یا ملی شده تلقی نخواهند شد.

آخرین قانون دروان برنامه ششم توسعه به قانون بودجه سال ۱۳۹۹ اختصاص دارد که در آن مشابه قوانین بودجه پیشین توجیه فنی، اقتصادی، مالی و محیط‌زیست دال‌هایی هم‌ارز هستند.

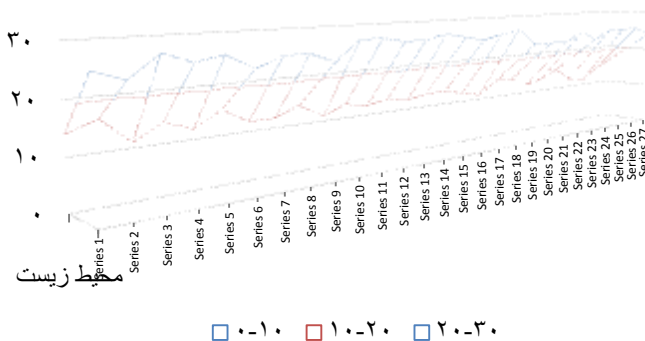
این قانون از منظر اعمال مالیات فروش کالاهای تولیدکننده پسماند مخرب محیط‌زیست مشابه قوانین بودجه قبلی است و درنهایت در این قانون بخشی از عوارض آلاینده‌گی حاصل از ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده به متولی محیط‌زیست اختصاص داده می‌شود تا صرف اعطای تسهیلات مالی به‌منظور کاهش آلودگی‌های محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست گردد.

نتیجه‌گیری

در شکل‌های ۵ تا ۸، فضای گفتمانی دوران قانون برنامه توسعه پنجم و ششم ترسیم شده است که به‌خوبی نمایشگر میزان اعوجاج گفتمانی است. به‌نظر می‌رسد آخرین سخن درمورد وضعیت محیط‌زیست ایران با توجه به تحلیل گفتمان قوانین این دوران، آن است که اولین قدم، تثبیت نسبی فضای گفتمانی خواهد بود که نتایجی روشن را

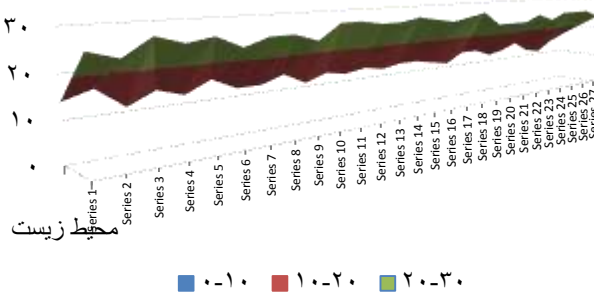
در پی داشته باشد. اگر بار ارزشی را به تمامی از نگاه گفتمانی خود حذف کنیم، باز هم تثبیت گفتمان، البته نه به معنای ایستای آن بلکه به معنای پویای آن و تثبیت روندها یا تثبیت حرکت‌های گفتمانی، به تقویت دال محیط زیست کمک خواهد کرد؛ زیرا مسئله بحران‌های محیط زیست، در دوران کنونی، خود به واسطه انرژی‌های انباشته شده در آن، دالی بسیار قدرتمند است که گرانش گفتمانی ایجاد کرده و همه دال‌های شبکه گفتمانی از جمله توسعه را تحت الشعاع قرار داده است؛ بنابراین تثبیت روند برساختی، به بهبود وضعیت محیط‌زیست در ایران، کمک شایانی خواهد کرد.

دوران برنامه پنجم



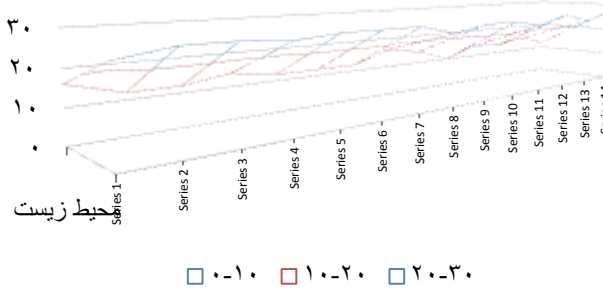
شکل (۵): شبکه فضای گفتمانی دوران برنامه توسعه پنجم

دوران برنامه پنجم



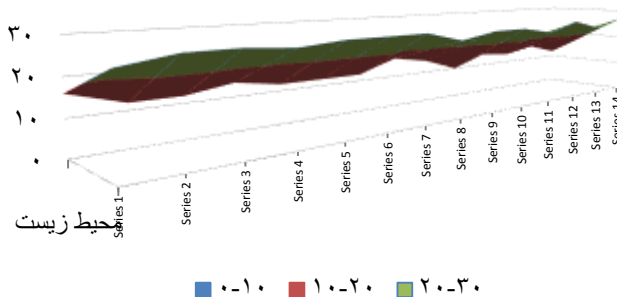
شکل (۶): فضای گفتمانی دوران برنامه توسعه پنجم

دوران برنامه ششم



شکل (۷): شبکه فضای گفتمانی دوران برنامه توسعه ششم

دوران برنامه ششم



شکل (۸): فضای گفتمانی دوران برنامه توسعه ششم

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References:

- Abbasszadeh, M., & Zayer Kaba, R. (2016). The Study of Third and Fifth Development Programs in the Economic Section from the Discourse Analysis Perspective of Laclau and Muffe. *Sociological Studies*, 9(30), 7-27. (In Persian)
- Bahrami Ahmadi, H. (2009). Political and Legal Policy Makings of the Islamic Republic of Iran towards Protecting the Environment. *Bi-Quarterly Political Knowledge*, 5(1), 93-114. doi: 10.30497/pk.2009.25 (In Persian)
- Esmailasadi, R. & Goodarzi, M. (2018). The Impact of International Sustainable Development and Environment Approaches on Iran Development Plans. *Environmental Researches*, 9(17), 237-248. (In Persian)
- Fischer, F. & Forester, J. (Eds.). (1993). *The argumentative turn in policy analysis and planning*. Durham, NC: Duke University Press.
- Foucault, M. 1998[1976]. *The History of Sexuality*. Vol. 1, London: Penguin Books. The Will to Knowledge [Google Scholar]
- Goldani, M. & Emami Meibodi, A. (2015). Environment's Status in Five-year Development Plans, Regarding Seven Selected Topics. *Parliament and Strategy*, 22(82), 297-336. (In Persian)
- Hajer, M. & Wagenaar, H. (Eds.). (2003). *Deliberative policy analysis: Understanding governance in the Network society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hajer, M. & Wagenaar, H. (Eds.). (2003). *Deliberative Policy Analysis: Understanding Governance in the Network Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hajer, M. (1993). *Discourse coalitions and the institutionalization of practice: The case of acid rain in Britain*. In F. Fischer & J. Forester (Eds.), *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning* (pp. 43-76). Durham, NC: Duke University Press.
- Hajer, M. (1995). *The politics of environmental discourse: Ecological modernization and the policy process*. Oxford: Oxford University Press.
- Hajer, M. (1997). *The Politics of Environmental Discourse: Ecological Modernization and the Policy Process*. London: Oxford University Press.
- Hashemi, N. & Zokaei, M. S. (2021). Globalization, Cosmopolitanism, and Environment: Critical Review of Ulrich Beck. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 20(12), 377-403. doi: 10.30465/crtls.2020.18100.1292. (In Persian)
- Howarth, D. R. (1397). *Discourse*. (A. Sabouri, Trans). Tehran: Ashian Press. (In Persian)
- <https://epi.yale.edu/epi-results/2022/country/irn>
- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/176762>
- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/257240>

- Jahangard, E. (2018). Development Plans and the Environment in Iran. *Journal of Environmental and Natural Resource Economics*, 2(2), 105-142. doi: 10.22054/eenr.2016.8409. (In Persian)
- Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and radical democracy in hegemony and socialist strategy*. London: Verso.
- Leipold, S.; Feindt, P. H.; Winkel, G. & Keller, R. (2019). Discourse analysis of environmental policy revisited: traditions, trends, perspectives. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 21(5), 445-463.
- Luke, T. (1999a). *Environmentality as Green Governmentality*. In *Discourses of the Environment*, Edited by: Darier, E. 121-151. Oxford: Blackwell Publishers.
- Luke, T. (1999b). *Eco-Managerialism: Environmental Studies as a Power/Knowledge Formation*. In *Living with Nature: Environmental Politics as Cultural Discourse*, Edited by: Fisher, F. and Hajer, M. A. 101-120. Oxford: Oxford University Press.
- Luke, T. (2005). *No More Beating Around the Bushes: Hyperpower Conservationism as American Environmentalism in the 21st Century*. Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association. 5 March, Hilton Hawaiian Village, Honolulu, Hawaii.
- Luke, T. W. (2006). The System of Sustainable Degradation. *Capitalism Nature Socialism*, 17(1), 99-112.
- Luke, T. W. (1999). *Capitalism, Democracy and Ecology: Departing from Marx*. Urbana: University of Illinois Press.
- Mahdavi A. & Amirbabaei S. (2016). The Effects of Financial Development on the Quality of Environment in Iran (1973 - 2007). *Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 15(4), 1-23. (In Persian)
- Maleki, A.; Salehi, S.; Rabie, A. & Yazarloo, R. (2017). Using Fairclough Model in the Typology of Environmental Discourses in Iran (Discourses of Justice, Protection, Risk and Modernization). *Environmental Education and Sustainable Development*, 5(2), 59-76. (In Persian)
- Oels, A. (2003). *The Power of Discourse in Global Climate Policy*. Paper presented at the 44th Annual Convention of the International Studies Association. 25 February-1 March, Portland, Oregon, USA.
- Salehe, S.; Ferozjaian, A. & Gholamrezazadeh, F. (2014). An Analysis of Environmental Discourse of the Iranian Socio-economic Development Plan. *Social Development & Welfare Planning*, 5(21), 71-110. doi: 10.22054/qjdsd.2014.1422. (In Persian)